مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020
107 -127

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۹/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

فرایند گونه‌شناسی بافت‌های شهری روستابنیان در اقلیم گرم و خشک ایران

سمانه خسروانی نژاد- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران؛
رضا اکبری*- نویسنده مسئول استادیار دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، دانشگاه یزد، یزد

چکیده

در توسعه افقی شهرها و ادغام روستاها گونه‌های متنوعی از بافت‌های شهری روستابینان مبتنی بر ویژگی‌های زمینه‌ای ظهور یافته‌اند. در مواجهه با این چندگانگی و پیشگیری از برخورد عام و همسان با تمام گونه‌ها، گونه‌شناسی روشی مؤثر جهت شناسایی و تفسیر عمیق و نظام‌مند آنهاست.
شهرهای اقلیم گرم‌وخشک نمونه‌های بارز توسعه افقی و ادغام روستاهای پیرامون هستند. هدف این پژوهش تبیین فرایند گونه‌شناسی و تعیین گونه‌های بافت‌های شهری روستابنیان در شهرهای اقلیم گرم‌وخشک (یزد، کرمان و کاشان) است.
انتخاب شهرهای مشابه و توجه ضمنی به چندوجهی بودن گونه‌شناسی همراه با اتکا بر نتایج تجارب روشمند گونه‌شناسی سکونتگاه‌ها و در نظرداشتن فرم روستاشهری و موقعیت قرارگیری روستا نسبت به شهر، سه عامل گونه‌شناسی «ساخت‌محور»، «جامعه‌محور» و «طبیعت‌محور» تبیین و متغیرها و سنجه‌های آنها تدقیق شد. در گونه‌شناسی ۳۵ عرصه مختلط شهری-روستایی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سه گونه کلی «محلات شهری روستابنیان»، «شهرروستا» و «روستاشهر» شناسایی شد.
تفسیر این گونه‌ها تفاوت‌های قابل توجه آنها را از بعد مفهومی (غلبه شهر بر روستا یا بالعکس)، اجتماعی، کالبدی و عملکردی بیان می‌کند. این پژوهش با ارائه فرایندی فراتر از گونه‌شناسی شکلی و کیفی، می‌تواند در پوشش خلاء شناسایی گونه‌های عرصه‌های مختلط شهری-روستایی مبنای پژوهش و عمل قرار گیرد و سپس متناسب با هرگونه تمهیدات بایسته اندیشیده شود.

واژگان کلیدی:گونه‌شناسی، محلات شهری روستابنیان، روستاشهر، شهرروستا، اقلیم گرم‌وخشک ایران

Typological process of urban-rural districts in warm and arid climate cities in Iran

Abstract
In the expansion of cities and the integration of villages, various types of urban-rural district based on context characteristics have emerged. Each species is involved in a level of environmental inequalities that are created in the integration process. The first step in dealing with these issues is identifying these types.
Cities in warm and dry climate in Iran are clear examples of horizontal development and integrating surrounding villages. the purpose of this study is explain the typological process and determine the types of urban-rural district in warm and arid climate cities Therefore, three cities of warm and arid climate of Iran, that are close to each other in population, area and level of activity, including Yazd, Kerman and Kashan are selected.
Selecting similar cities (middle cities) and implicit attention to the multidimensional typology, with relying on the results of methodological experiences of urban and rural Settlements typology and also considering the rural-urban form and the location of the village relative to the city, three factors are explained: " physical-oriented","community-oriented" and"natural-oriented". In the typological process of 35 mixed urban-rural areas, using cluster analysis and k-means method, three general species are identified: "rural based urban district" with dominant urban characteristics, "urban-rural areas" with both rural and urban characteristics but urban domination and "rural-urban areas" with dominant rural characteristics but rural domination.
The interpretation of these species shows their significant differences in conceptual (urban domination or rural domination), physical (share of city area, building and population density, type of development including endogenous development, urban edge expansion, exogenous development, etc.) and functional (Socio-economic status, merging process step) aspects. This research, by presenting a process beyond formal and qualitative typology, and a measurable model in a Special climate, reaches a more realistic typology away from abstract ideas. The achievement of this research can be the basis of research and action in improving the spatial quality of these areas in accordance with the specific characteristics of each species.

Key Words: Typology, rural based urban district, urban-rural areas, rural-urban areas, warm and arid climate in Iran

* نویسنده مسئول r_akbari@yazd.ac.ir:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

گسترش محیط‌های پیراشهری همراه با پیچیدگی فرایندهای مرتبط با آن، باعث ایجاد رویکردهای مختلف و بعضاً متعارض در چگونگی برخورد با رشد شهری و استفاده از فرصت‌های توسعه کارآمد و پایدار شده است. این گوناگونی از یکسو می‌تواند فرصت‌های متنوع توسعه شهری باشد اما از سوی دیگر برخورد همسان بدون درنظر داشتن زمینه شکل‌گیری و چگونگی توسعه، به مسائل آنها دامن خواهد زد. از این حیث ارتقاء دانش و آگاهی در چگونگی برخورد با پدیده‌ای واحد اما با نمودها و رویدادهای متفاوت لازم می‌باشد. از انواع گسترش محیط‌های پیراشهری، ادغام روستاها در شهر و شکل‌گیری گونه‌های متفاوتی از عرصه‌های روستاشهری در مسیر گذر از فرایند ادغام آنهاست که موجب می‌شود هریک با توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای خود با نوعی خاص از مسائل شهری روبرو باشند. به عبارت دیگر شهرها با گونه‌های متفاوتی از عرصه‌های روستاشهری و ویژگی‌های متنوع مواجه هستند. بافت روستابنیانی که در میان شهر قرار دارد با آن که در حاشیه شهر واقع شده است قطعاً مشخصه‌های یکسانی ندارند و فرایند ادغام آنها در شهر حداقل در مرحله‌ای از آن (جذب، الحاق، استحاله، تثبیت، ادغام و یکپارچگی روستاها به شهر) متفاوت از یکدیگر می‌باشد. ایجاد گونه‌های متنوع روستاشهری، مسائل متنوع و متفاوتی را نیز برای شهر به دنبال دارند که از مهم‌ترین و بارزترین آنها در شهرهای اقلیم گرم (یزد، شیراز، بندرعباس، اصفهان، کیش، کرمان و کاشان) تشدید رشد افقی شهر، نابرابری‌های محیطی، ایجاد و تشدید حاشیه‌نشینی، تجمع مهاجرین غیربومی، تجمع مشاغل مزاحم و مسائل به دنبال آن اشاره نمود. در مقیاس روستا نیز از دست رفتن هویت کالبدی، اجتماعی و حتی طبیعی از مهم‌ترین این مسائل است. از سوی دیگر، روستاهای ادغامی به شهر به مرور زمان با اثراتی چون افت کیفیت محیطی، جابجایی‌های جمعیتی و دگرگونی بدون برنامه کاربری زمین و تراکم‌ها و محرومیت شدید خدماتی مواجه شده‌اند. هریک از گونه‌ها با سطحی از این نابرابری‌های محیطی درگیر هستند که در طی فرایند ادغام آنها در شهر ایجاد شده‌اند. گام نخست در مواجهه با این مسائل شناخت این گونه‌هاست تا متناسب با ویژگی هریک راه‌حل مناسب را اندیشید. ارائه برنامه یکسان در قالب برنامه‌ریزی‌های تجویزی و کل‌نگر بدون در نظر داشتن ویژگی‌های خاص هر عرصه درنهایت ممکن است موجب مزمن شدن مسائل موجود گردد. لذا در مواجهه با محدودیت مذکور گونه‌بندی عرصه‌های روستاشهری و اتخاذ رویکرد متناسب با هرگونه و ویژگی‌های خاص آن می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد و از تصمیمات مشابه و بعضاً متعارض با گونه‌های زیستی متفاوت جلوگیری به عمل آید. با علم به این موضوع که گونه‌های متفاوتی از عرصه‌های روستاشهری متأثر از پیشینه روستاها و موقعیت آنها نسبت به شهر وجود دارند، این سؤال ایجاد می‌شود که در مراحل فرایند ادغام روستاها به شهر در شهرهای اقلیم گرم و خشک با چه گونه‌هایی از بافت‌های روستاشهری و با چه ویژگی‌هایی مواجه می‌باشیم؟

شهر و روستا خود به‌عنوان دو گونه متفاوت از سکونتگاه‌های انسانی در هنگام برخورد با یکدیگر گونه‌های متفاوتی از سکونتگاه‌ها را با توجه به ویژگی‌های اولیه خود به وجود می‌آورند. پراکندگی و انواع گونه‌های روستاشهرها با توجه به شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی ـ فرهنگی، کالبدی، اقلیمی، سیاسی و ... می‌تواند بسیار متنوع باشد که خود مزید بر مشکل شود و اتخاذ تصمیمات مدیریتی آینده را دچار چالش نماید. لذا چارچوب صحیح گونه‌شناسی با بیشترین اشتراکات در میان نمونه‌ها ضرورت می‌یابد. چنین گونه‌شناسی از سکونتگاه‌های روستاشهری برای فرموله‌بندی انواع سیاست‌های شهری به‌ویژه فرایندهای مرتبط با برنامه‌ریزی فضایی در مقیاس شهر و منطقه ضروری به نظر می‌رسد چرا که گونه‌شناسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای در دست پژوهشگران و مسئولان شهری به‌منظور اتخاذ صحیح تصمیمات مبتنی بر شرایط ویژه هرگونه است. از سوی دیگر از آنجایی که فرایندهای گونه‌شناسی دارای تعمیم‌پذیری و جامعیت برای تمام موارد مشابه نمی‌باشد، تدقیق آنها متناسب

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

بـا شـرایط زمینـه و اهـداف پژوهـش ضـروری می‌باشـد. لـذا پژوهـش حاضـر باهـدف «تبییـن فرآینـد گونه‌شناسـی بافت‌هـای شـهری روسـتابنیان در اقلیـم گـرم و خشـک» کشـور، فراینـد گونه‌شناسـی خـاص ایـن بافت‌هـا در اقلیـم گـرم و خشـک ایـران را پـی می‌جویـد.

مفهوم گونه‌شناسی در ارتباط با بافت‌های شهری روستابنیان

گونـه و گونه‌شناسـی از مباحـث مهـم و روشـی کارآمـد در دسـتیابی بـه شـناخت پدیده‌هـا به‌ویـژه پدیده‌هـای انسـانی و شـهری و از طریـق آن تفسـیر پدیده‌هاسـت. گونه‌هـا تفکـر، ارتبـاط و عمـل مـا را در همـه حوزه‌هـای زندگـی نظـم می‌بخشـند و سـازماندهی می‌کننـد[1]. گونه‌شناسـی اشـاره بـه منطـق اطلاعـات، تمایـز و تحـول گونه‌هـا دارد (Moudon,1994,305) و فراینـد گونه‌شناسـی تلاشـی اسـت بـرای قـرار دادن مجموعـه‌ای از اشـیای پیچیـده در یـک مجموعـه منظـم بـرای دسـتیابی بـه عمومیـت بیشـتر در جهت شـناخت و برنامه‌ریـزی[2](Lupala,2002,16). «بافت‌هـای روستاشـهری» به‌عنـوان سیسـتم‌های مکانـی– فضایـی ترکیبـی و پیچیـده درون‌شـهری، عرصه‌هـای نیازمنـد گونه‌شناسـی جهـت درک صحیـح خـواص و ویژگی‌هـای آنهـا، اجتنـاب از رویکـرد کلنگـر، مـوازی‌کار و همسـان و اتخاذ راه‌حـل مناسـب بـرای هرگونـه می‌باشـند. در یـک جمع‌بنـدی از تعاریـف موجـود (McGhee,2002، Wang et al., 2009, Verbeelen, 2013 پاپلـی یـزدی،۱۳۸۲؛ رضوانـی،۱۳۸۱؛ دانشـپور،۱۳۸۵؛ مفیـدی و یمانـی،۱۳۸۷؛ اکبـری و قادریـان،۱۳۹۳) بافت‌هـای شـهری روسـتابنیان عرصه‌هـای روسـتایی هسـتند کـه در اثـر گسـترش شـهر جزئـی از بافـت شـهر شـده و بـا وسـعت یافتـن کالبـد شـهر بـه انضمـام محـدوده شـهر درآمده‌انـد و در مرحلـه گـذر و دگرگونـی از ماهیـت روسـتایی بـه شـهر هسـتند. برخوردگاه‌هایـی کـه از در هـم آمیختـن سیسـتم‌های شـهری، روسـتایی و طبیعـی بـا پیشـروی سـکونتگاه‌های انسـانی بـه سـوی هـم شـکل گرفته‌انـد. ایـن محدوده‌هـا کـه عمومـاً از سـنت‌های روسـتایی فاصلـه گرفته‌انـد، بسـته بـه شـرایط و پتانسـیل‌های طبیعـی موجـود در محـل یـا موردتوجـه طبقـه مرفـه قـرار گرفتـه و بـه مناطـق تفرجگاهـی تبدیـل می‌شـوند، امکانـات بـالای زندگـی را بـه سـوی خـود جـذب می‌کنـد یـا اغلـب نقطـه مقابـل آن بـوده و به‌صـورت سـکونتگاه پیراشـهری و یـا اسـکان غیررسـمی در شـهر درآمده‌انـد. ایـن عرصه‌هـا کـه محـل درآمیختـن و رویارویـی سیسـتم‌های شهر–روسـتا هسـتند، ازنظـر اجتماعـی و اقتصـادی ناهمگـن می‌باشـند و بـا سـرعت بسـیار زیـاد نیـز تغییـر می‌کننـد. به‌طـور کلـی در مراحـل گـذار روسـتا بـه شـهر و فراینـد ادغـام آن در شـهر یعنـی جـذب، الحـاق، اسـتحاله، تثبیـت، ادغـام و درنهایـت یکپارچگـی روسـتا بـا شـهر، دو گـذار ناقـص و کامـل را مطابـق نمـودار ۱ می‌تـوان متصـور بـود.

اینکـه چـه روسـتاهایی گـذار کامـل و کدامیـک گـذار ناقـص را در ایـن فراینـد داشـته‌اند و آیـا می‌تـوان در ایـن دو مسـیر مجـزا، گونه‌هـای متنوعـی را نیـز متصـور شـد را می‌تـوان براسـاس تبییـن فراینـد گونه‌شناسـی تعییـن و انـواع گونه‌هـای عرصه‌هـای روستاشـهری را بـا توجـه بـه معیارهـا و شـاخص‌های کارآمـد در ایـن طیـف گسـترده شناسـایی نمـود. در ایـن زمینـه گونه‌شناسـی مورفولوژیـک[3] به‌عنـوان وسـیله‌ای بـرای درک ویژگی‌هـای مناطـق شـهری نیـز دارای یـک سـنت پژوهشـی طولانـی اسـت (Gil et al.2012,27). بهره‌گیـری از گونه‌شناسـی در زمینـه دانـش مرتبـط بـا مسـائل شـهری از یـک سـو از ایجـاد اغتشاشـات ذهنی ناشـی از برداشـت معانـی مختلـف یـک مفهـوم کـه مخاطبـان آن در یافتـن مصادیـق آن بـا سـردرگمی روبـرو هسـتند، جلوگیـری می‌نمایـد (اسـدی و زبردسـت،۱۳۸۹، ۱۸) و از سـوی دیگـر بـا بررسـی مفاهیـم مختلـف در یـک حـوزه و دسـته‌بندی آنـان

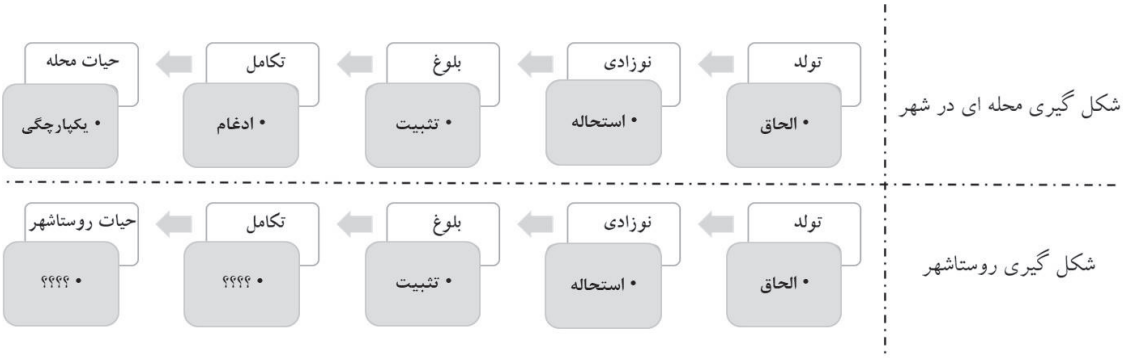
۱- واژه تیپولـوژی یـا گونـه شناسـی در فرهنـگ غربـی از ریشـه کلمـه تایـپ گرفتـه شـده اسـت کـه در زبـان انگلیسـی معـادل واژه‌هـای مـدل، نمونـه، فـرم، دسـته، نمـاد و ویژگـی قـرار دارد. در زبـان فارسـی واژه گونـه یـا تیـپ را می‌تـوان بـه گـروه خاصـی بـا یـک ویژگـی یـا علامـت مشـخص نسـبت داد. (معماریـان، طبرسـا،۱۳۹۲: ۱۰۴).

۲- بـری (Berry,1972) هـدف گونه‌شناسـی شـهرها را این‌چنیـن بیـان می‌کنـد:
...ایـن درسـت اسـت کـه مـا هرگـز چیـزی را نمی‌آموزیـم اگـر در ایـن مـورد فکـر نکنیـم کـه چگونـه اشـیا بـه یکدیگـر متصـل می‌شـوند و خـواص مشـابهی دارنـد. اگـر هـر شـیء در جهـان به‌صـورت منحصـر بـه فـرد و مجـزا در نظـر گرفتـه شـود، درک مـا از جهـان در بـی مفهومـی کامـل از هـم متلاشـی می‌شـود. هـدف از گونه‌شناسـی (طبقه‌بنـدی) ایـن اسـت کـه بـه چیزهایـی کـه تجربـه می‌کنیـم، نظـم و ترتیـب بخشـیم. طبقه‌بنـدی می‌کنیـم تـا بتوانیـم بیشـتر در مـورد آن‌هـا یـاد بگیریـم...، نیـاز متـداوم بـه تشـخیص ابعـاد تنـوع بـرای تسـهیل طبقه‌بنـدی هدفمنـد... (Berry, 1972:1)

3- typomorphology

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۱: گذار روستاشهری در دو حالت کامل و ناقص

و انتخاب نزدیک‌ترین مفهوم به آنچه در نمونه‌های مطالعاتی نزدیک‌تر است، نیز راه‌گشای مسائل شهری می‌باشد (برکپور و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۸). همچنین یکی از نقاط قوت اتکا به گونه‌شناسی فراهم آوردن شرایط و زمینه مقایسه بین انواع سکونتگاه‌ها و جریان‌های جمعیتی، بازار کار و توسعه کالبدی آنان به همراه ایجاد پایگاهی اساسی و موثق برای توصیف آنهاست (Final definition and delineation of rural areas,2012).

علیرغم انتقاداتی که بعضاً بر گونه‌شناسی وارد می‌شود، مانند عدم در نظر گرفتن پیچیدگی و تنوع تعاملات میان محرک‌ها به دلیل وابستگی بیش از حد به شاخص‌های واحد برای طبقه‌بندی فضا (Meredith & Olmedo,2014,5) و تأکید بر تکرار تقریباً خودکار (Lupala,2002,16)، گونه‌شناسی مناطق شهری از جمله عرصه‌های روستاشهری که تنوع فراوانی در میان آنها نیز وجود دارد، موجب افزایش توانایی درک محققان، ارزیابان و برنامه‌ریزان از یک مکان با توجه به موقعیت و نقش آن در یک چارچوب جغرافیایی گسترده‌تر می‌شود. گونه‌شناسی‌ای که بر ساختاری هدفمند و قوی بنا شده باشد، پتانسیل شناسایی اینکه چه چیزی در مورد یک مکان خاص است را دارد و مهم‌تر از آن از نقطه‌نظر تحقیقات میان‌رشته‌ای، توانایی برجسته کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در موضوعات فضایی، از جمله سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی که با مکان‌ها پیوند خورده‌اند را دارد.

تحلیل تجارب روشمند گونه‌شناسی سکونتگاه‌ها و مناطق روستا- شهری

در گونه‌شناسی سکونتگاه‌ها به‌صورت عام از عوامل مختلف کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بسته به نوع پژوهش و داده‌های در دسترس استفاده شده است. برخی پژوهش‌ها صرفاً عوامل کالبدی را مدنظر داشته‌اند (Redbridge Characterisation Study,2014؛ مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ذاکرحقیقی و همکاران،۱۳۸۹) و برخی جهت گونه‌شناسی دقیق‌تر عوامل اجتماعی و اقتصادی را نیز دخیل دانسته‌اند مانند روش «سه بلوک[1]» که توسط شبکه اروپایی برای توسعه روستایی[2] (ENRD) به‌منظور گونه‌شناسی مناطق روستایی اروپا ایجاد نموده‌اند. این روش اولاً تعیین می‌کند کدام مناطق روستایی هستند و سپس مطابق اهداف اولیه خود در رابطه با برنامه‌های توسعه مناطق روستایی، سه بلوک اصلی را بررسی می‌کنند. این سه بلوک که اساس سیستم گونه‌شناسی را تشکیل می‌دهند عبارتند از: "محدودیت‌های فیزیکی"، "حساسیت‌های زیست‌محیطی" و "توسعه اقتصادی اجتماعی". به‌طور کلی اهداف این مطالعه مبتنی بر غلبه بر محدودیت‌های فیزیکی، شناسایی مناطق حساس زیست‌محیطی و حمایت از توسعه اجتماعی اقتصادی نواحی روستایی می‌باشد. برای هریک از بلوک‌های فوق شاخص‌هایی تعریف می‌شود که ساختار اولیه گونه‌شناسی را تشکیل می‌دهد (Meredith & Olmedo,2014,11). به‌طور کلی در بسیاری از پژوهش‌های عملیاتی در باب مناطق پیراشهری در اروپا، گونه‌شناسی مناطق پیراشهری (شهری ـ روستایی) را پیش‌نیازی

1- three ‘building blocks’
2- European network for rural development

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ضـروری به‌منظـور تجزیه‌وتحلیـل تکنیکـی الگوهـا و تغییـرات شـهری می‌دانـد. ایـن گونه‌شناسـی براسـاس مورفولـوژی سـکونتگاه‌ها، جریان‌هـای توسـعه و کاربـری زمیـن و نهایتـاً تراکـم جمعیـت صـورت می‌پذیـرد. (Piorr et al.,2011,26) به‌عنـوان مثـال، در پژوهشـی بـا عنـوان "روشـی به‌منظـور تعریـف گونه‌شناسـی سـکونتگاه‌های زنجیـره‌ای روستاشـهری در کلارا[1]" توسـط فیـرز و همـکاران[2] (۲۰۱۴) ضمـن بیـان واژه "rural polis" بـرای ایـن مناطق غیرمعمـول شـهری و روسـتایی، شـاخص‌های تأثیرگـذار بـر محیط‌هـای روستاشـهری و گونه‌شناسـی آنهـا را ایـن چنیـن معرفـی می‌نمایـد:۱- فاکتورهـای تاریخـی ۲- عوامـل فیزیکـی جغرافیایـی (سـاختار اولیـه روسـتا و زیرسـاخت‌ها) ۳- عوامـل اقتصـادی (کشـاورزی مبتنـی بـر توسـعه صنعتـی، مهاجـرت نیـروی کار) ۴- مهاجرت‌هـای روستاشـهری ۵- قوانیـن فـروش اراضـی ۶-فاکتورهـای سیاسـی و مدیریتـی. در پژوهشـی دیگـر بـا عنـوان "گونه‌شناسـی مناطـق پیراشـهری منطقـه شـهری بـزرگ بندونـگ[3] " در اندونـزی توسـط بودیانتینـی و پراتیویـا[4] (۲۰۱۵)، گونه‌شناسـی را براسـاس سـه عامـل فیزیکـی (توپوگرافـی، کاربـری زمیـن، تراکـم، تسـهیلات عمومـی، دسترسـی)، اجتماعـی (بهـره‌وری مـردم، شـدت فعالیـت، رفـاه اجتماعـی) و اقتصـادی (سـاختار اقتصـادی و نیـروی کار) بـا روش تجزیه‌وتحلیـل داده‌هـا بـا اسـتفاده از تجزیه‌وتحلیـل چنـد متغیـره[5] و تحلیـل خوشـه‌ای انجـام می‌دهـد کـه نهایتـاً بـه سـه گونـه «عمدتـاً شـهری»، «نیمه‌شـهری» و «دارای پتانسـیل شـهری شـدن» دسـت می‌یابـد و ویژگی‌هـای هریـک را تشـریح می‌کنـد. جـدول ۱ جمع‌بنـدی حاصـل از مطالعـات و پژوهش‌هـای کاربـردی پیشـین از انـواع متغیرهـا، شـاخص‌ها و سـنجه‌های گونه‌شناسـی را نشـان می‌دهـد. براسـاس نتایـج ایـن مطالعـات، ۴ متغیـر اصلـی گونه‌شناسـی مناطـق پیراشـهری عبارتنـد از: «جمعیـت شـناختی»، «اجتماعـی ـ اقتصـادی»، «کالبـدی» و «زیسـت‌محیطی». همچنیـن مهم‌تریـن روش‌هـای گونه‌شناسـی در ایـن پژوهش‌هـا عبارتنـداز:

- ترکیـب روش آنالیـز مؤلفه‌هـای اصلـی و آنالیـز خوشـه‌ای بـا روش‌هـای K-means و تحلیـل تشـخیصی و همچنیـن محاسـبه همبسـتگی میـان متغیرهـا به‌منظـور کاهـش تعـداد متغیرهـا (پیـش از انجـام آنالیـز مؤلفه‌هـای اصلـی)
- تعییـن میـزان همبسـتگی متغیرهـا بـا شـاخص فاصلـه از مرکـز شـهر و دسـته‌بندی براسـاس امتیـاز میانگیـن و انحـراف معیـار
- آنالیـز لکه‌هـای داغ براسـاس شـاخص نسـبت توسـعه سـطوح سـاخته شـده
- آنالیز کانونی

کـه روش غالـب در ایـن پژوهش‌هـا روش تحلیـل مؤلفه‌هـای اصلـی[6] (PCA) و آنالیـز خوشـه‌ای بـا روش K-means می‌باشـد.

مطالعـه سـابقه پژوهش‌هـای مرتبـط بـا گونه‌شناسـی مناطـق پیراشـهری نشـان می‌دهـد دو عامـل اصلـی و تأثیرگـذار بـر فراینـد گونه‌شناسـی عبارتنـد از: ۱- انتخـاب متغیرهـا و شـاخص‌های تأثیرگـذار؛ ۲- روش گونه‌شناسـی. ایـن دو عامـل مـلازم و مکمـل هـم هسـتند و طریقـه صحیـح به‌کارگیـری آنهـا نتایـج گونه‌شناسـی را اعتبـار می‌بخشـد. امـا ایـن دو عامـل به‌صورت‌هـای بسـیار متنـوع در هـر پژوهـش متناسـب بـا شـرایط زمینـه‌ای، دیدگاه‌هـا و رویکردهـای حاکـم بـر آن، اهـداف پژوهـش، محـدوده و حوزه‌هـای مختلـف و تعاریـف مختلفـی کـه به‌عنـوان پیش‌فـرض از آن بهـره جسـته‌اند، بـه کار گرفتـه شـده‌اند. بنابرایـن در مبحـث گونه‌شناسـی نمی‌تـوان در پـی قانونمنـدی و تعمیم‌پذیـری کامـل بـود و لازم اسـت ایـن فراینـد متناسـب بـا زمینـه و هـدف هـر پژوهـش تدقیـق شـود. بـر ایـن اسـاس، نتایـج این مطالعـه گسـترده متناسـب بـا عرصه‌هـای روستاشـهری در مناطـق گـرم و خشـک ایـران تدقیـق می‌شـود کـه فراینـد آن در ادامـه تشـریح می‌شـود.

1- A METHODOLOGY TO DEFINE THE TYPOLOGY OF RURAL URBAN CONTINUUM SETTLEMENTS IN KERALA
2- Mohammed Firoz C, Haimanti Banerji and Joy Sen
3- Peri-urban typology of Bandung Metropolitan Area
4- Yanti Budiyantinia, Vidya Pratiwia
5- multivariate analysis
6- Principal component analysis (PCA)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جـدول ۱: انـواع متغیرهـا، شـاخص‌ها و سـنجه‌های گونه‌شناسـی در پژوهش‌هـای مرتبـط بـا گونه‌شناسـی سـکونتگاه‌های مناطـق پیراشـهری و روستا-شـهری

متغیر	شاخص	سنجه	منبع
جمعیت شناختی	تراکم جمعیت	• تراکم جمعیتی خالص و ناخالص	ENRD (2010), Dutt et al. (1986), Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000), Ballas et al. (2003), Bogdanov et al. (2008), Madu(2009), Madsen et al. (2010), Ogdul et al. (2010), Monasterolo et al(2010), Chi et al. (2011), Firoz et al. (2014),Fesenmaier et al. (1979), Piorr et al. (2011)
	دموگرافی	• نسبت تولد و مرگ و میر، نسبت مهاجرت داخلی و خارجی، ساختارسنی و جنسی، امید به زندگی، رشد جمعیت	ENRD (2010), Dutt et al. (1986), Bogdanov et al. (2008), Firoz et al. (2014), European rural futures(2012), Piorr et al(2011).
		• نسبت سلامت (افراد ۲۰ تا ۳۹ ساله به افراد بالای ۶۰ سال)	Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000)
		• خانوار (۲ نفره) + خانوار (دارای فرزند) (٪ از تمام خانوارها)	
	شاخص تغییر	• ٪ جمعیت تغییر طی سال‌های هدف برنامه‌ریزی	Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000)
		• ٪ تغییر در اندازه کوهورت جمعیت ۲۰-۲۹ سال طی سال‌های هدف (مهاجرت خالص(	
اجتماعی - اقتصادی	ساختار اقتصادی، اشتغال و نیروی کار	• نیروی کار مشاغل اصلی و فرعی (زن و مرد)(نرخ مشارکت نیروی کار در همه افراد جامعه)	ENRD (2010), Dutt et al. (1986), Madsen et al. (2010), Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000), Firoz et al. (2014), European rural futures(2012), Nisha(2015), Piorr et al. (2011), Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000)
		• جمعیت بیکار	ENRD (2010), Dutt et al. (1986), Firoz et al. (2014), Piorr et al(2011).
		• ٪ نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی (زن، مرد و کلی)/ میزان مشارکت زنان نیروی کار	Dutt et al. (1986), Monasterolo et al(2010), Madu(2009), Chi et al. (2011), Madsen et al. (2010), Ogdul et al. (2010), Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000), Ballas et al. (2003), Bogdanov et al. (2008),Firoz et al. (2014),European rural futures(2012), Nisha(2015), Piorret al(2011)
		• نگهداری دام	Madsen et al (2010), Firoz et al. (2014).
		• نسبت افراد شاغل در بخش غیر کشاورزی	Fesenmaier et al(1979), Piorret al(2011).
		• GDP در سرانه	ENRD (2010), European rural futures(2012), Piorr et al(2011)
		• درآمد متوسط و قدرت خرید	ENRD (2010), مهدی نژاد و اسدپور (۱۳۹۹)
	دسترسی به خدمات/اقتصاد شهری/زیرساخت شهری	• نسبت مهد کودک و مدارس ابتدایی به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	ENRD (2010), Firoz et al(2014), Hinderink and Sterkenburg(1975), Yunus (2006), Pryor(1971), Budiyantinia et al. (2015).
		• دسترسی به کلینیک محلی	ENRD (2010), Hinderink and Sterkenburg(1975), Yunus, (2006), Budiyantinia et al(2015)
		• بانک/ ۱۰۰۰ نفر جمعیت	ENRD (2010), Firoz et al. (2014).
		• زیرساخت های ورزشی و هنری/ ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	
		• کتابخانه/ ۱۰۰۰۰ نفرجمعیت	
	رفاه اجتماعی	• نرخ خانوارهای فقیر	Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000)
	نرخ باسوادی	• درصد باسوادان مرد و زن	ENRD (2010), Dutt et al. (1986), Madu(2009), Ogdul et al. (2010), Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas(2000), Bogdanov et al. (2008), Chi et al. (2011), Monasterolo et al(2010).
	شاخص تغییر	• ٪ تغییر در تعداد شاغلین طی سال‌های هدف برنامه‌ریزی (٪ تغییر درشاغلین بخش غیر کشاورزی، ٪ تغییر در شاغلین بخش کشاورزی)	Yunus(2006), Budiyantinia et al(2015), مهدی نژاد و اسدپور (۱۳۹۹)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

متغیر	شاخص	سنجه	منبع
کالبدی	شدت توسعه	• میزان سطوح ساخته شده	Redbridge Characterisation Study(2014)
	کاربری زمین	• تراکم مسکن/مساحت مسکن	ENRD (2010), Ballas et al. (2003), Madu(2009), کانزن (۱۹۶۰)، Firoz et al. (2014), Hinderink and Sterkenburg(1975), Yunus, (2006), Pryor(1971), Budiyantinia et al(2015).
		• نوع استفاده غالب از زمین	Redbridge Characterisation Study(2014), Piorr et al. (2011).
		• نسبت اراضی کشاورزی به دیگر سطوح با کاربری‌های شهری	Hinderink and Sterkenburg (1975), Yunus (2006), Pryor(1971), Budiyantinia et al. (2015), Piorr et al. (2011)
		• نسبت اراضی بایر به دیگر سطوح فعال شهری	Garnier and Chabot (1967)
		• مساحت کاربری غیرکشاورزی	Hinderink and Sterkenburg(1975), Yunus (2006), Pryor(1971), Budiyantinia et al(2015), Fesenmaier et al. (1979).
		• نسبت اراضی تجاری و صنعتی به دیگر سطوح شهری	Pryor (1971)
		• نسبت کاربری‌های غیرقابل تغییر	(ذاکرحقیقی و همکاران(۱۳۸۹
	دانه‌بندی و مقیاس؛ الگو، اندازه و ترتیب ساختمانها و قطعه‌بندی آنها	• سطح اشغال/ نسبت سطح زیربنا به سطح زمین و ارتفاع ساختمان/ شاخص فضای باز	Redbridge Characterisation Study(2014)، ذاکرحقیقی و همکاران (۱۳۸۹)
		• تعداد طبقات و تراکم ساختمانی/ اختلاف تعداد طبقات میان بلندترین ساختمان و میانگین طبقات بلوک	ذاکرحقیقی و همکاران(۱۳۸۹)
		• میانگین مساحت قطعات/ نسبت میان مساحت بزرگ‌ترین قطعه در بلوک به مساحت کل بلوک	ذاکرحقیقی و همکاران(۱۳۸۹)
	سایز نواحی شهری یا نواحی ساخته شده	• متوسط مساحت بلوکها	ENRD (2010), مهدی نژاد و اسدپور (۱۳۹۹)
	ویژگی‌های شبکه رفت‌وآمد/ دسترسی	• فاصله تا نزدیک‌ترین مرکز	ENRD (2010), Redbridge Characterisation Study(2014), Hinderink and Sterkenburg(1975), Yunus (2006), Pryor(1971), Budiyantinia et al(2015), Fesenmaier et al(1979)
		• قابلیت نفوذپذیری	(ذاکرحقیقی و همکاران(۱۳۸۹
		• درجه اتصال و پیوستگی شبکه	Gil et al. (2012)
		• اندازه‌گیری طول بزرگراهها و جاده‌های اصلی در هر ۲ کیلومتر	European rural futures(2012)
	شاخص تغییر	• ٪ تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات و مراتع طی سال‌های هدف برنامه‌ریزی	Pryor (1971),
زیست‌محیطی	محدودیت‌های فیزیکی	• عرض جغرافیایی، ارتفاع، شیب، کیفیت خاک، شرایط آب و هوایی، بارش، دما، رژیم ترسالی – خشکسالی، شوری، خشکی، سیل	ENRD (2010), Hinderink and Sterkenburg(1975), Yunus ((2006), Pryor(1971
	حساسیت‌های زیست‌محیطی	• پوشش طبیعی، تنوع زیستی شامل: جنگل‌های حفاظتشده، مناطق محافظت از خاک، آب و سایر عملکردهای اکوسیستم، میراث فرهنگی، تنوع و کیفیت چشم‌انداز	ENRD (2010), Piorr et al. (2011)
		• تراکم زیستگاههای طبیعی	Piorr et al. (2011)
		• انتشار گاز NOx/HC/CO و انتشار فلزات سنگین	

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

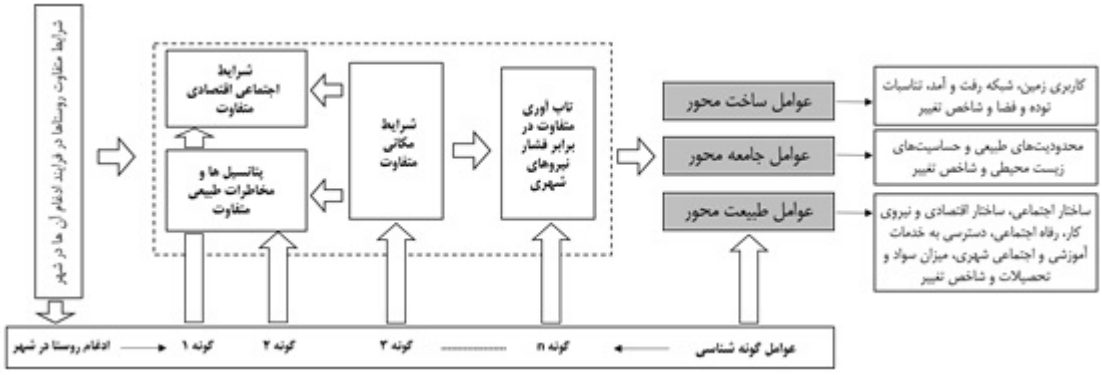
چارچوب نظری؛ تعیین عوامل اصلی گونه‌شناسی بافت‌های شهری روستابنیان

در فرایند گونه‌شناسی نخستین و مهم‌ترین گام تعیین عوامل و متغیرهای آن است که فرایند گونه‌شناسی براساس آنها انجام می‌گیرد به‌طوری‌که کیفیت نتیجه نهایی و قابل استناد بودن آن با انتخاب عوامل و متغیرها و سنجه‌های گونه‌شناسی رابطه مستقیم دارد. بافت‌های شهری روستابنیان را در ساده‌ترین حالت می‌توان در دو دسته کلی قرار داد، اول مرتبط با فرم روستاشهری (طبیعی، مصنوع) و دوم مرتبط با موقعیت قرارگیری آن نسبت به شهر (بیرون، درون و حاشیه شهر). اما منظور از گونه‌شناسی روستاشهرها طبقه‌بندی صرف آنها براساس یک یا دو مشخصه نمی‌باشد. به‌طور کلی گونه‌شناسی پیچیده‌تر از یک طبقه‌بندی ساده از پدیده‌هاست و در سطح بالاتری از طبقه‌بندی براساس خصوصیات ظاهری قرار می‌گیرد گرچه این نوع طبقه‌بندی هم خود می‌تواند یک گونه‌شناسی ساده باشد. همان‌طور که از نتایج مطالعات روشمند نیز برآمد، منظور از گونه‌شناسی روستاشهرها شناخت ابعاد گوناگون این پدیده و روابط میان آنهاست. راپاپورت نیز در اصول گونه‌شناسی خود عنوان می‌کند، گونه‌شناسی می‌بایست بجای به‌کارگیری شاخص واحد از شاخص‌های متعدد استفاده کند و انتخاب این شاخص‌ها می‌بایست معقولانه و پرهیز از تکثر بیش از حد شاخص‌ها انجام شود. به عبارت دیگر عوامل و متغیرهای گونه‌شناسی چنان باید انتخاب شوند که تمام جوانب شکل‌گیری یک سکونتگاه (عرصه روستاشهری) را پوشش دهد تا گونه‌های تولید شده از جامعیت لازم برخوردار باشد. بنابراین مبتنی بر نتایج مطالعات تجارب روشمند، متغیرهای فرایند گونه‌شناسی باید کیفیت‌های زیر را دارا باشند:

- چندبعدی بودن متغیرها (گونه‌شناسی چند متغیره)؛ به‌منظور گونه‌شناسی دقیق که تمامی جنبه‌های مرتبط با روستاشهرها را بازتاب دهد، به‌ویژه مشخصات اجتماعی ـ اقتصادی.
- تدقیق جزئیات فضایی داده‌ها؛ گونه‌شناسی باید به لحاظ فضایی (مکانی) دقیق تنظیم شود.
- در نظر داشتن محدودیت‌های دسترسی به داده‌ها؛ بدین منظور متغیرهایی انتخاب شوند که دسترسی به داده‌های آنها مقدور و فراهم باشد.

بنابراین با در نظر داشتن ماهیت و فرم روستاشهر که حاصل ترکیب عوامل مصنوع، طبیعی و فعالیت‌های بازتاب‌دهنده ویژگی‌های جمعیتی ساکن در آن می‌باشد و همچنین بهره‌گیری از نتایج مطالعه تجارب روشمند گونه‌شناسی سکونتگاه‌های شهری و روستایی که سکونتگاه‌ها را براساس چهار متغیر کلی جمعیت‌شناختی، کالبدی، اجتماعی – اقتصادی و زیست‌محیطی گونه‌بندی می‌کند، عوامل اصلی گونه‌شناسی پژوهش حاضر در سه گروه عوامل "ساخت محور" و "طبیعت‌محور" و "جامعه‌محور" به قرار زیر تعریف می‌شوند (نمودار ۲):

- عوامل ساخت محور؛ شامل متغیرهای کاربری زمین، شبکه رفت‌وآمد، تناسبات توده و فضا و شاخص تغییر.
- عوامل طبیعت‌محور؛ شامل متغیرهای محدودیت‌های طبیعی و حساسیت‌های زیست‌محیطی و شاخص تغییر.
- عوامل جامعه‌محور؛ شامل متغیرهای ساختار اجتماعی، ساختار اقتصادی و نیروی کار، رفاه اجتماعی، دسترسی به خدمات آموزشی و اجتماعی شهری، میزان سواد و تحصیلات و شاخص تغییر.



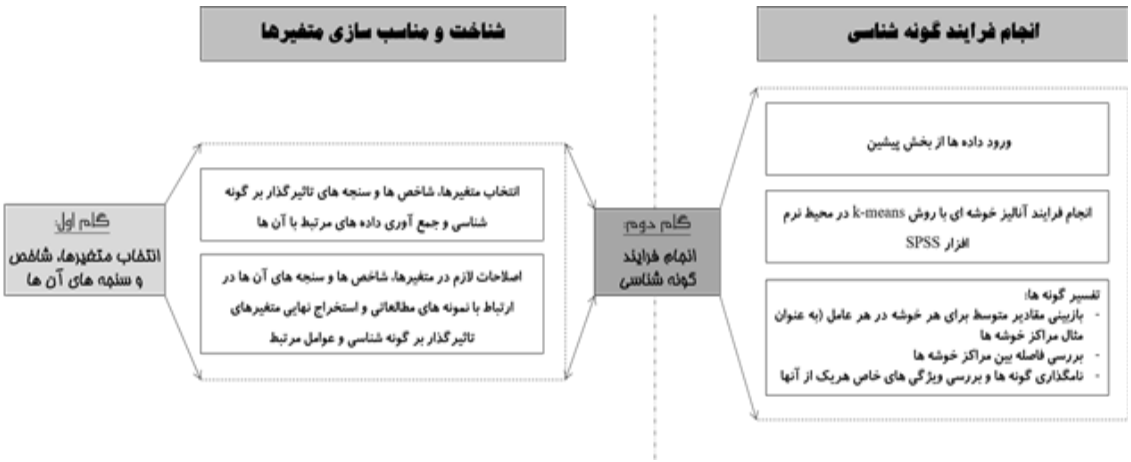
نمودار ۲: عوامل اصلی گونه‌شناسی عرصه‌های روستاشهری

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

روش‌شناسی گونه‌شناسی بافت‌های شهری روستابنیان و انتخاب نمونه‌های مطالعاتی

براساس عوامل سه گانه گونه‌شناسی یعنی ساخت‌محور، جامعه‌محور و طبیعت‌محور و متغیرهای آن و با در نظر داشتن نتایج مطالعه و بررسی انواع روش‌های گونه‌شناسی سکونتگاه‌ها، مراحل انجام فرایند گونه‌شناسی در این پژوهش با توجه به داده‌ها و امکانات در اختیار به ترتیب ذیل خواهد بود (نمودار ۳):



نمودار ۳: فرایند گونه‌شناسی بافت‌های شهری روستابنیان

۱- انتخاب اولیه متغیرها/شاخص‌ها و سنجه‌های گونه‌شناسی متناسب با سه عامل اصلی ساخت‌محور، جامعه‌محور و طبیعت‌محور

۲- آزمون و انجام اصلاحات لازم در متغیرها، شاخص‌ها و سنجه‌های آنها در ارتباط با نمونه‌های مطالعاتی و استخراج نهایی متغیرهای تأثیرگذار بر گونه‌شناسی و عوامل مرتبط (جدول ۲)

۳- تدقیق مرز فضایی نمونه‌های مطالعاتی

۴- تولید و تفسیر گونه‌ها شامل بازبینی مقادیر متوسط برای هر خوشه در هر عامل (مراکز خوشه‌ها) و بررسی فاصله بین مراکز خوشه‌ها

بدنه اصلی فرایند گونه‌شناسی از تکنیک آماری «تحلیل خوشه‌ای» تشکیل شده است. خوشه‌بندی به‌عنوان یکی از روش‌های داده‌کاوی، یکی از روش‌های طبقه‌بندی نظارت نشده و فرایندی است خودکار که در طی آن، یک مجموعه داده معین، به مجموعه‌ای از کلاسها و خوشه‌ها تقسیم می‌شود. هدف از طبقه‌بندی داده‌ها به کمک چنین فرایندی جداسازی آنها به قسمی است که دو بردار داده در یک خوشه تا حد امکان به هم شبیه باشند و دو داده در دو خوشه متفاوت تا حد امکان از یکدیگر متمایز شوند (Tsekouras, & Sarim-veis,۲۰۰۴,۵۶۶). بنابراین تحلیل خوشه‌ای ابزاری برای کشف ساختار داده‌ها یا به عبارتی پیدا کردن خوشه‌ها در داده‌ها می‌باشد. در تحلیل خوشه‌ای فرضیاتی از پیش تعیین نمی‌شود، یا به عبارتی تعداد خوشه‌ها از پیش تعیین نمی‌شوند و داده‌ها را تنها بر مبنای درجه تشابه و یا نزدیکی به دسته‌های همگن و متمایز از هم تقسیم می‌کند (شادمان و تخم چی،۱۳۹۳، ۶۸). نقطه قوت این روش، راندمان محاسباتی بالای آن است. از این رو نسبت به دیگر روش‌های خوشه‌بندی، برای داده‌های با حجم بالا بسیار مفید می‌باشد (Velmurugan,,۲۰۱۰,۳۲۱).

الگوریتم K –Means به شرح زیر می‌باشد:

- انتخاب K داده به‌عنوان مرکز خوشه؛
- تعیین فواصل بقیه داده‌ها با مرکز خوشه‌ها؛
- قرارگیری داده‌هایی که به مرکز هر خوشه نزدیک‌ترند در آن خوشه؛
- محاسبه میانگین هر خوشه به‌عنوان مرکز جدید خوشه؛
- تکرار مرحله دوم تا چهارم تا رسیدن به عدم تغییر در خوشه‌ها.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۲: عوامل، متغیرها، شاخص‌ها و سنجه‌های گونه‌شناسی روستاشهرها

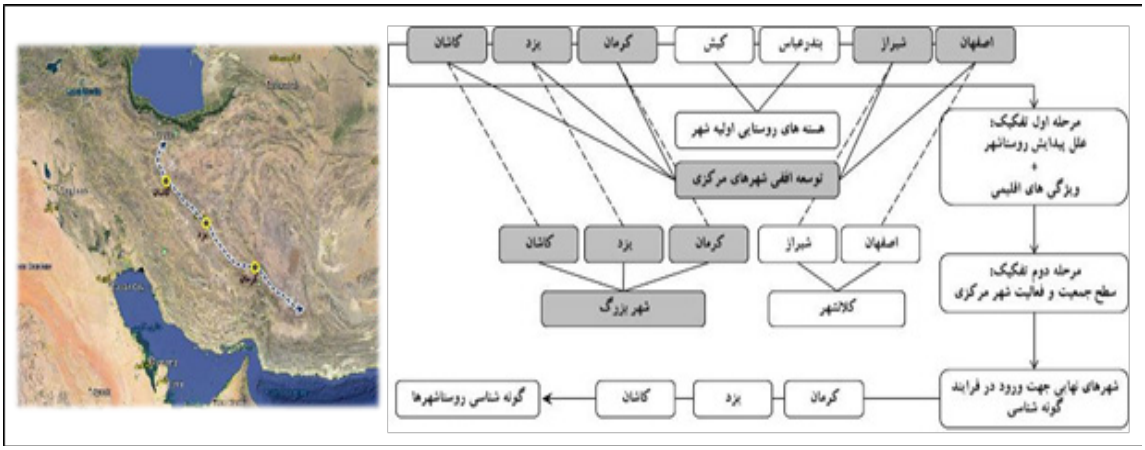
عوامل	متغیر	شاخص	سنجه
ساخت محور	نوع استفاده از زمین	• شدت توسعه	– میزان سطوح ساخته شده (٪)
		• نوع استفاده غالب از زمین	– مساحت اراضی مسکونی (٪) – مساحت کاربری‌های غیر از کشاورزی و باغات (٪) – نسبت اراضی کشاورزی و باغات به دیگر سطوح با کاربری‌های شهر ی – نسبت اراضی بایر به دیگر سطوح فعال شهری – نسبت اراضی تجاری و صنعتی به دیگر سطوح شهری – مساحت کاربری‌های غیرقابل تغییر (٪)
	الگوی توسعه	• دانه‌بندی و تناسبات توده و فضا	– سطح اشغال (٪) – تراکم ساختمانی (٪) – میانگین طبقات – میانگین مساحت بلوک‌ها – میانگین مساحت قطعات
		• شبکه رفت و آمد/دسترسی	– فاصله تا نزدیکترین مرکز شهری (کیلومتر) – نسبت اندازه طول خیابان‌های اصلی روستاشهر در هر ۲ کیلومتر به مساحت روستاشهر (هکتار)
	تغییرات ۱۰ ساله	• شاخص تغییر	– تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات و مراتع (٪) – رشد مساحت اراضی مسکونی (٪)
طبیعت محور	ویژگی‌های اقلیمی	• محدودیت‌های طبیعی	– نسبت حداکثر شیب محدوده به متوسط آن – نسبت حداکثر ارتفاع محدوده به متوسط آن – نسبت حداکثر دمای ماهانه در طی سال به متوسط آن – نسبت حداکثر بارش سالانه به متوسط آن – تعداد گسل‌های فعال در محدوده
		• حساسیت‌های زیست محیطی	– سطوح غیر قابل نفوذ شامل معابر آسفالته و متحدثات (٪) – نسبت مساحت سایت‌های دارای ارزش‌های میراثی و توریستی به کل مساحت محدوده
جامعه محور	ساختار جمعیتی و اقتصادی	• تراکم جمعیت	– تراکم جمعیتی خالص در روستاشهر – تراکم جمعیتی ناخالص در روستاشهر
		• دموگرافی	– نسبت تولد به کل جمعیت روستاشهر – نسبت مرگ و میر به کل جمعیت روستاشهر – نسبت رشد سالیانه جمعیت – نسبت جنسی – افراد بالای ۲۴ سال بدون مدرک دیپلم (٪) – افراد دارای تحصیلات عالیه (مرد و زن) (٪) – نسبت مهاجرت خالص به کل جمعیت روستاشهر – خانوار دو نفره به کل خانوار (٪) – خانوار دارای فرزند به کل خانوار (٪) – نسبت سلامت (نسبت افراد ۲۰ تا ۳۹ ساله به افراد بالای ۶۰ سال)
		• ویژگی‌های اشتغال و نیروی کار	– جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال شاغل (٪) – جمعیت ۱۰ ساله وبیشتر فعال بیکار (٪) – افراد شاغل در بخش کشاورزی (٪)
		• رفاه اجتماعی	– نسبت مدارس ابتدایی و دبیرستان به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت – نسبت خدمات بهداشت و درمان به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت – نسبت زیرساخت‌های ورزشی و هنری به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت
	تغییرات ۱۰ ساله	• شاخص تغییر	– تغییر جمعیت طی ۱۰ سال گذشته (٪)

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

تدقیق فضایی نمونه‌های مطالعاتی و تعیین مرزها نیز از اقدامات مهم در فرایند گونه‌شناسی است. قاعده تعریف شده برای گونه‌شناسی این است که باید گروهی از روستاشهرها را تعریف نماید که در یک گروه دارای بیشترین همگنی بین آنها و در مقایسه بین گونه‌ها دارای ناهمگنی باشد. از آنجایی که روستا واژه‌ای عجین شده با طبیعت است، روستا و اقلیم آن شمایی کلی از ساختار آن را در ذهن متصور می‌سازد. بنابراین از آنجایی که اقلیم مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری و مورفولوژی روستاها و یکی از عوامل مهم در تفاوت ساختاری آنها می‌باشد و به علاوه دسترسی به داده‌های اقلیمی و پهنه‌بندی آنها سریع‌تر و آسان‌تر از داده‌های اجتماعی و اقتصادی و... می‌باشد، معیار پهنه‌بندی اقلیمی به‌منظور انتخاب نمونه‌های موردی پژوهش انتخاب گردیده است. گونه‌شناسی در یک اقلیم مشابه تفسیر زمینه‌های شباهت‌ها و تفاوت‌های بین گونه‌ها را هموارتر و منطقی‌تر می‌سازد. براساس پهنه‌بندی کسمایی (۱۳۶۳)، از آنجایی که بخش اعظم اقلیم کشور را اقلیم «گرم و خشک» و «گرم و مرطوب» تشکیل می‌دهد، در مرحله اول بافت‌های شهری روستابنیان شهرهای این اقلیم یعنی یزد، شیراز، بندرعباس، اصفهان، کیش، کرمان و کاشان به‌منظور گونه‌شناسی آنها انتخاب شد.

گونه‌شناسی باید در میان روستا شهرهایی انجام شود که به لحاظ دلایل ایجاد این عرصه‌ها و همچنین سطح فعالیت و جمعیت شهر مرکزی مشابه یکدیگر باشند تا نتایج حاصل نیز منطقی و قابل قیاس باشد. لذا در گام دوم براساس عواملی نظیر علل پیدایش روستاشهر (پیدایش روستاشهر ناشی از توسعه افقی شهر)، مشابهت تراکم جمعیتی و سطح فعالیت شهر مادر (انتخاب شهرهای میانی) و تدقیق مشابهت‌های اقلیمی در این شهرها؛ محلات روستابنیان شهرهای اقلیم گرم و خشک یعنی یزد، کرمان و کاشان به‌منظور گونه‌شناسی انتخاب شدند. در گام سوم بافت‌های روستابنیان شهرهای یزد، کرمان و کاشان (۳۵ عرصه روستاشهری) شناسایی، مرز هریک آنها با استفاده از نرم‌افزار GIS تدقیق، داده‌های موردنیاز برداشت و وارد فرایند گونه‌شناسی شدند (نمودار ۴). داده‌های لازم مطابق جدول ۲ براساس اطلاعات شرایط موجود از سایت‌های رسمی این شهرها مانند منابع اطلاع‌رسانی در سایت‌های شهرداری و سازمان برنامه استان، طرح‌های جامع و تفصیلی، طرح‌های مرتبط با بافت‌های فرسوده و روستایی، طرح هادی روستاها و اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ سازمان ملی آمار، تصاویر هوایی دوره‌های مختلف زمانی و همچنین مراجعه به محل و برداشت و مشاهدات میدانی استخراج شدند.



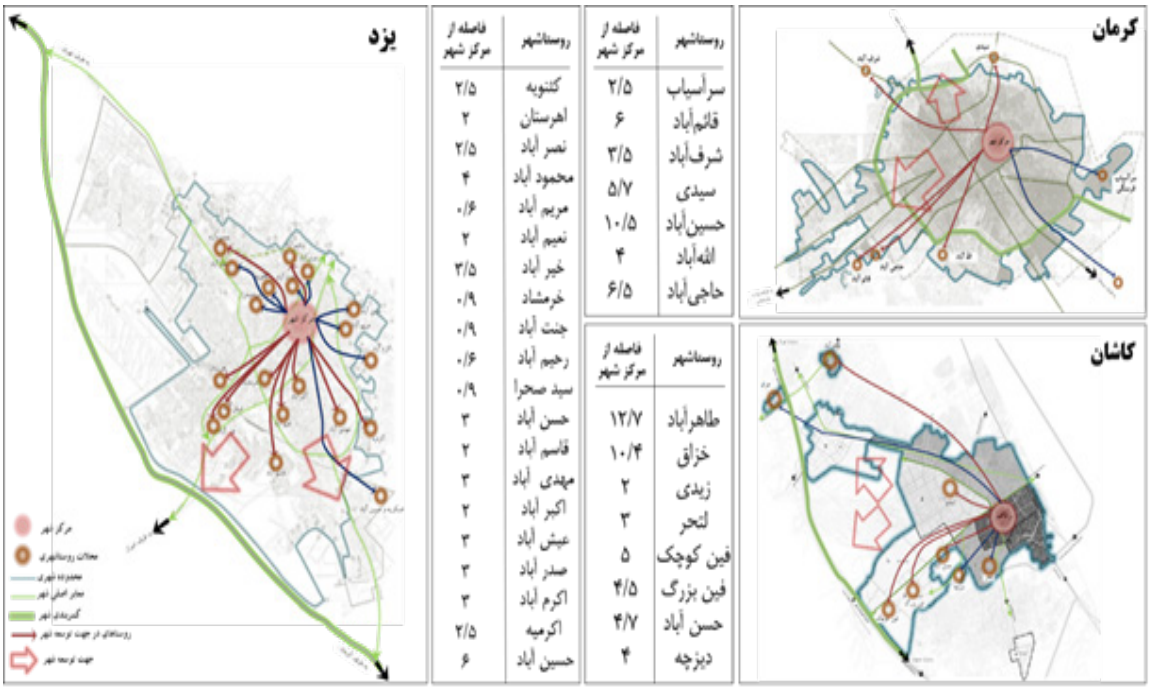
نمودار ۴: فرایند انتخاب شهرهای مطالعاتی جهت ورود به فرایند گونه‌شناسی

بستر پژوهش: بافت‌های شهری روستابنیان شهرهای یزد، کرمان و کاشان

شهرهای یزد، کرمان و کاشان به‌عنوان شهرهای اقلیم گرم و خشک پهنه مرکزی کشور، در نیم قرن توسعه اخیر خود، با افزایش ۲۰ تا ۴۰ برابری مساحت شهر سطح وسیعی از روستاهای پیرامونی را در خود ادغام کرده‌اند (تصویر ۱). در طی این گسترش به‌صورت

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



تصویر ۱: نام، موقعیت روستاشهرها و فاصله آن‌ها تا نزدیکترین مرکز شهری (کیلومتر) در شهرهای یزد، کرمان و کاشان

توسعه در امتداد مبادی خروجی اصلی شهر، کاهش تراکم از ۲۰۰–۱۵۰ نفر در هکتار به ۵۰ – ۳۰ نفر در هکتار کاهش یافته است. در کاشان، تراکم ناخالص جمعیتی ۱۴۰ نفر در هکتار در سال ۱۳۵۵ تا ۲۹/۱ نفر در هکتار در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱). در کرمان این تراکم در سال ۱۳۳۵، از حدود ۲۰۰ نفر در هکتار به ۳۸ نفر در هکتار در سال ۱۳۹۵ رسیده است (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴). در وضعیتی مشابه در شهر یزد نیز این تراکم از ۱۲۷ نفر در هکتار در سال ۱۳۳۵ به ۳۴ نفر در هکتار در سال ۹۵ رسیده است (زنگنه،۱۳۹۱، ۹). این کاهش تراکم در این شهرها در طی دو مرحله رخ داده است. در مرحله اول کاهش تراکم جمعیتی از مرکز به سمت پیرامون و در مرحله دوم افزایش تراکم در نواحی پیرامونی شهر. حاصل این گسترش و کاهش تراکم جمعیتی، ادغام بافت‌های روستایی پیراشهری در شهر و ایجاد بافت‌های مسئله‌دار شهری و مسائلی از قبیل فرسودگی کالبدی، تناقض‌های فرهنگی اجتماعی، تغییرات کاربری زمین بدون برنامه و فرسودگی کالبدی، از بین رفتن اراضی کشاورزی و باغات و... می‌باشد.

انجام فرایند گونه‌شناسی محیط‌های روستاشهری شهرهای یزد، کرمان و کاشان

در گام نخست روستاها و متغیرهای پژوهش کدگذاری شدند. پس از گردآوری داده‌های ۳۵ عرصه روستاشهری تحت سه عامل ساخت محور، جامعه‌محور و طبیعت‌محور و ورود آنها محیط تحلیل داده‌ها و اجرای گونه‌شناسی، تعداد مناسب خوشه‌ها پس از چندین بار آزمون و ارزیابی جهت دستیابی به نتایج بهینه و قابل کاربست، ۳ خوشه در نظر گرفته شد. همچنین فرایند براساس خوشه‌بندی و تکرار تنظیم شد تا نتیجه دقیق‌تری حاصل شود. حداکثر تعداد تکرار ۲۰ و ملاک همگرایی صفر در نظر گرفته شد. این بدان معناست که تکرار تا زمانی انجام شود که اختلاف دو مرکز خوشه، برابر صفر شود که در تکرار دهم این همگرایی و مقدار صفر حاصل شده است. جدول ۳ عضویت هریک از نمونه‌ها را در خوشه‌های سه گانه به همراه فاصله آن تا مرکز آن خوشه را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال نمونه یک یعنی روستاشهر نعیم‌آباد به خوشه دوم تعلق دارد و فاصله آن تا مرکز خوشه دوم برابر ۶۱,۳۳۷ می‌باشد. براساس این جدول در گونه اول ده روستاشهر، در گونه دوم نوزده روستاشهر و در گونه سوم پنج روستاشهر قرار گرفته‌اند.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۳: عضویت هریک از نمونه‌ها را در خوشه‌های سه گانه و فاصله آنها تا مرکز خوشه

Cluster Membership							
روستا شهر	Case Number	Cluster	Distance	روستا شهر	Case Number	Cluster	Distance
نعیم‌آباد	1	2	61.337	اکرمیه	19	2	126.131
اکبرآباد	2	1	99.066	اکرم‌آباد	20	2	99.532
مهدی‌آباد	3	2	179.674	طاهرآباد	21	3	105.147
قاسم‌آباد	4	2	113.988	خزاق	22	3	111.024
اهرستان	5	1	140.452	زیدی	23	1	137.720
عیش‌آباد	6	2	125.130	لتحر	24	2	94.084
خیرآباد	7	2	67.254	فین کوچک	25	2	72.073
خرمشاد	8	1	98.816	فین بزرگ	26	2	120.136
سید صحرا	9	1	106.947	حسنآباد	27	2	163.042
حسن‌آباد مشیر	10	2	83.171	دیزچه	28	2	107.062
مریم‌آباد	11	1	129.965	سرآسیاب فرسنگی	29	2	143.310
رحیم‌آباد	12	1	129.502	قائم‌آباد	30	2	170.951
جنت‌آباد	13	1	147.707	شرف‌آباد	31	2	98.157
صدرآباد	14	1	122.480	سیدی	32	3	86.251
کثنویه	15	2	62.819	حسین‌آباد	33	3	157.572
نصرآباد	16	1	109.982	الله‌آباد	34	2	68.288
محمودآباد	17	2	119.700	حاجی‌آباد	35	2	127.735
حسین‌آباد ریسمانی	18	3	116.273				

جدول ۴ مراکز نهایی خوشه‌های سه گانه در هریک از سنجه‌های گونه‌شناسی را پس از پایان تکرار نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در متغیر «میزان سطوح ساخته شده» مرکز خوشه اول برابر ۷۰/۲۹۱۷، در خوشه دوم برابر ۵۸/۶۵۶۰ و در خوشه سوم برابر ۴۶/۲۳۴۹ می‌باشد. براساس این جدول فاصله میان مرکز خوشه اول تا دوم برابر ۲۱۶,۰۸۲ می‌باشد و فاصله آن تا خوشه سوم برابر ۳۷۶,۴۴۹ می‌باشد.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

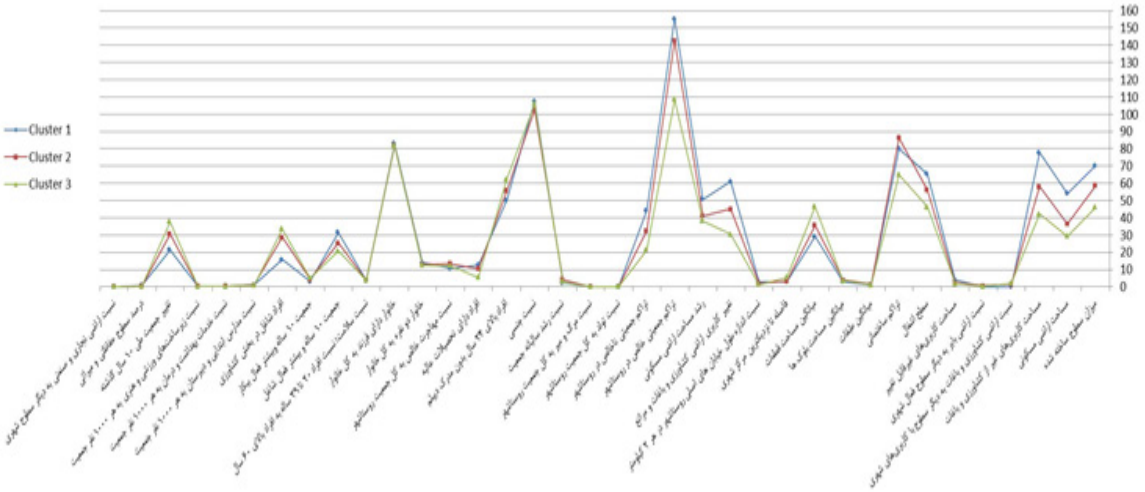
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۴: مراکز نهایی خوشه‌های سه گانه در هریک از سنجه‌های گونه‌شناسی

Final Cluster Centers			
متغیرهای گونه‌شناسی	Cluster		
	1	2	3
میزان سطوح ساخته شده	70.2917	58.6560	46.2349
مساحت اراضی مسکونی	54.0417	36.4720	29.2950
مساحت کاربری‌های غیر از کشاورزی و باغات	77.8717	58.1987	42.1007
نسبت اراضی کشاورزی و باغات به دیگر سطوح با کاربری‌های شهری	0.0033	1.4873	2.1093
نسبت اراضی بایر به دیگر سطوح فعال شهری	1417 .	7647.	3007.
مساحت کاربری‌های غیرقابل تغییر	3.9533	2.3780	1.8850
سطح اشغال	65.4517	56.2220	46.3157
تراکم ساختمانی	80.1283	86.4187	65.1093
میانگین طبقات	1.1900	1.6060	1.0043
میانگین مساحت بلوک‌ها	3.0050	4.0460	3.5257
میانگین مساحت قطعات	292.0000	356.2857	466.1667
فاصله تا نزدیک‌ترین مرکز شهری	2.9133	3.3287	5.4021
نسبت اندازه طول خیابان‌های اصلی روستاشهر در هر ۲ کیلومتر	2.9967	2.0280	1.2921
تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات و مراتع	-60.9533	-45.1900	-30.4167
رشد مساحت اراضی مسکونی	50.7883	41.2260	38.2336
تراکم جمعیتی خالص در روستاشهر	155.3833	142.7660	108.5914
تراکم جمعیتی ناخالص در روستاشهر	44.2083	32.4660	21.4100
نسبت تولد به کل جمعیت روستاشهر	0185.	0176.	0174.
نسبت مرگ و میر به کل جمعیت روستاشهر	0055.	0060.	0055.
نسبت رشد سالیانه جمعیت	2.4200	4.1853	3.0657
نسبت جنسی	107.5000	102.5333	106.0714
افراد بالای ۲۴ سال بدون مدرک دیپلم	50.1367	55.8953	62.3157
افراد دارای تحصیلات عالیه	12.5550	9.5340	5.4650
نسبت مهاجرت خالص به کل جمعیت روستاشهر	10.7900	13.4373	12.2457
خانوار دو نفره به کل خانوار	14.1150	12.7373	12.5500
خانوار دارای فرزند به کل خانوار	83.0850	81.8780	81.9757
نسبت سلامت؛ نسبت افراد ۲۰ تا ۳۹ ساله به افراد بالای ۶۰ سال	3.5733	3.8753	3.9207
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال شاغل	31.5250	25.3133	20.7064
جمعیت ۱۰ ساله وبیشتر فعال بیکار	3.1750	4.4787	5.0993
افراد شاغل در بخش کشاورزی	15.8433	28.7929	33.4967
نسبت مدارس ابتدایی و دبیرستان به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	1.1400	1.0053	9114.
نسبت خدمات بهداشت و درمان به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	4867.	4467.	3564.
نسبت زیرساخت‌های ورزشی و هنری به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	3967.	3887.	1999.
تغییر جمعیت طی ۱۰ سال گذشته	21.4383	30.7133	37.8043
شیب حداکثر به حداقل	3.1650	4.4980	4.8614
ارتفاع حداکثر به متوسط	1.0083	1.0000	1.0257
حداکثر دما به متوسط	2.4733	2.2260	2.1893
حداکثر بارش به متوسط	4133.	5880.	6193.
تعداد گسل فعال	2.0000	2.0667	2.2143
سطوح غیر قابل نفوذ	57.6283	53.0900	50.9000
درصد سطوح حفاظتی و میراثی	9250.	3780.	1557.
نسبت اراضی تجاری و صنعتی به دیگر سطوح شهری	1200.	1409.	1110.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



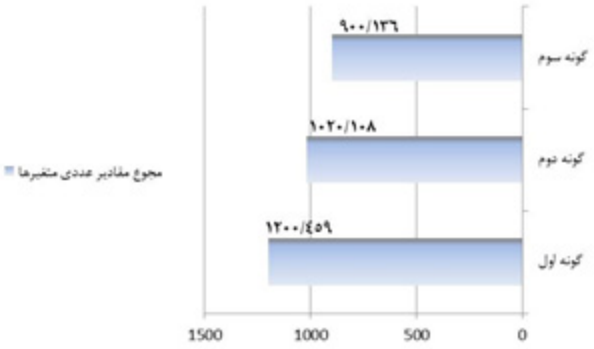
نمودار ۵: مقایسه مراکز متغیرها در خوشه¬های سه گانه روستاشهرهای یزد، کرمان و کاشان

نمودار ۵ مقادیر متغیرها را در هریک از گونه‌ها به‌طور مقایسه‌ای نمایش می‌دهد. به‌طور کلی گونه اول در اغلب متغیرها مقداری عددی بالاتری کسب نموده است. بیشترین اختلاف میان گونه‌ها در متغیرهای میزان سطوح ساخته شده در روستا، مساحت اراضی مسکونی، مساحت کاربری‌های غیر از کشاورزی و باغات، سطح اشغال، تراکم ساختمانی، میانگین مساحت قطعات، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات، تراکم جمعیتی خالص، افراد شاغل در بخش کشاورزی و تغییر جمعیت طی ۱۰ سال می‌باشد. لازم به ذکر است که متغیرهایی که بر روی محور صفر منطبق شده‌اند به علت مقدار عددی صفر تا ۱ آنها می‌باشد و اختلاف بین آنها در این نمودار مشاهده نمی‌شود.

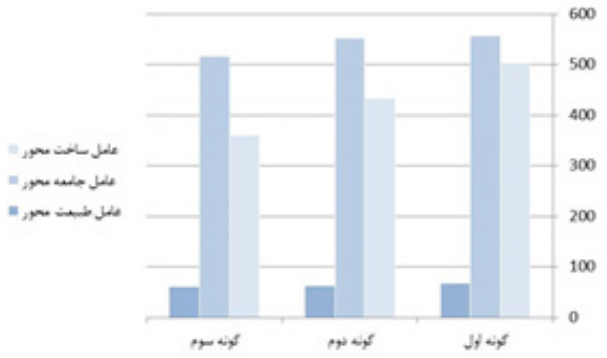
یافته‌های پژوهش

۱- انواع گونه‌های عرصه‌های روستاشهری اقلیم گرم و خشک ایران

مجموع مقادیر متغیرهای گونه‌شناسی (نمودار ۶) تفاوت میان سه گونه به دست آمده را عیان می‌سازد. عامل‌های جامعه‌محور و طبیعت‌محور در سه گونه روستاشهری ارقام نزدیکی با یکدیگر دارند و فاصله زیادی بین آنها مشاهده نمی‌شود که این ناشی از روستابنیان بودن آنها و ویژگی‌های اجتماعی ـ اقتصادی نسبتاً مشترکی است که میان روستاها (البته با تفاوت‌هایی) وجود دارد. بر همین اساس تفاوت این سه گونه بیشتر تابع عامل ساخت محور و متغیرهای آن است (نمودار ۷). با توجه به متغیرهای تعریف شده در عامل ساخت محور و سنجه‌های آن، درمجموع می‌توان گفت هرچه مقدار عددی این عامل بالاتر باشد نزدیکی به ویژگی‌های شهری نیز بیشتر است چرا که مجموع مقادیر این عامل تا حد زیادی متکی به سنجه‌های میزان سطوح ساخته شده، مساحت اراضی مسکونی، سطح اشغال و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات به کاربری‌های شهری و یا بایر می‌باشد که بالا بودن مقادیر این سنجه‌ها از ویژگی‌های بارز محیط شهری نسبت به روستایی می‌باشد. این عامل در گونه اول بیش از دو گونه دیگر می‌باشد.



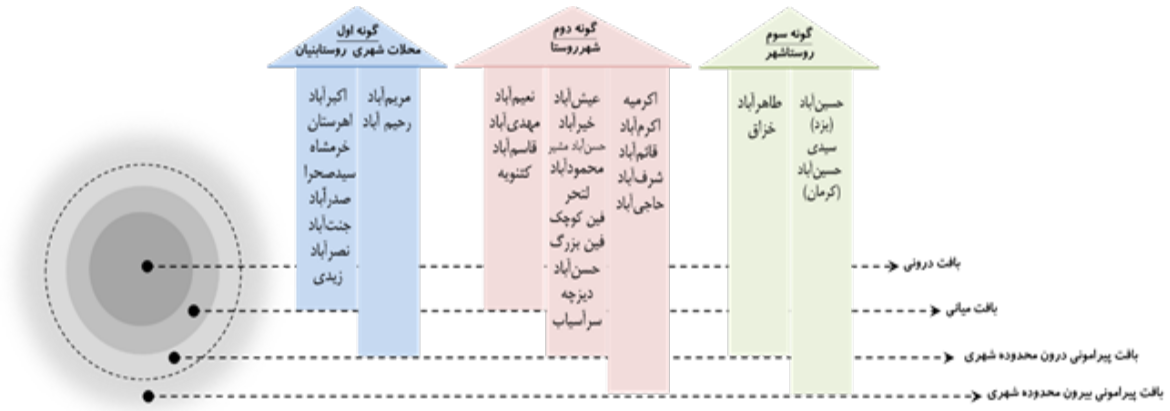
نمودار ۶: مجوع مقادیر عددی متغیرهای گونه¬شناسی



نمودار ۷: مجوع مقادیر عددی عوامل گونه‌شناسی

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



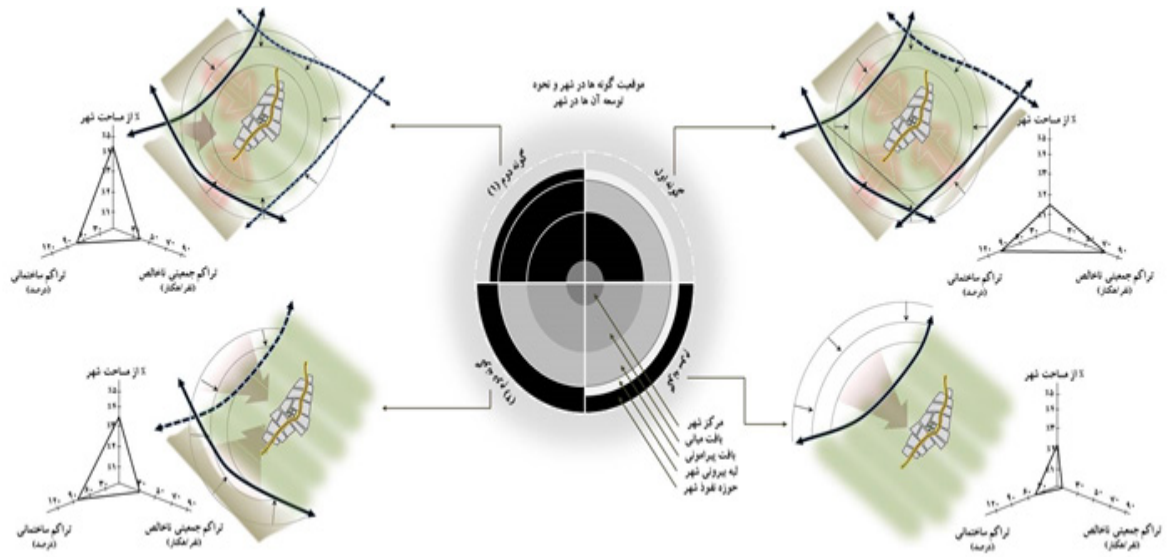
تصویر ۲: گونه‌های سه گانه بافت‌های روستا بنیان یزد، کاشان و کرمان و موقعیت مکانی آن‌ها در شهر

با مقایسه و ارزیابی مقادیر عددی به دست آمده با یکدیگر و با سطح شهر می‌توان ویژگی خاص هرگونه را تبیین نمود. نمونه‌های واقع در گونه اول روستاشهرهایی با خصوصیات غالب شهری یا «محلات شهری روستابنیان» می‌باشند. لذا گونه اول را می‌توان جزء بافت‌های (محلات) شهری محسوب نمود. نمونه‌های واقع در گونه دوم بافت‌های نیمه‌شهری ـ نیمه روستایی یا «شهرروستا» هستند. این بافت‌ها یا محلات در واقع مصداق کامل بافت‌های روستاشهری و دوگانگی‌های شهری ـ روستایی هستند. گونه‌ای که در میانه راه گذار از بافت روستایی به شهری قرار دارد و غلبه با نیروهای شهری است که روستا را به سوی ادغام در شهر پیش می‌برد. درنهایت گونه سوم نمونه‌های با ویژگی‌های غالب روستایی می‌باشند. این‌گونه که روستاهای واقع در پیرامون شهر هستند را نیز می‌توان گونه «روستاشهر» نامید.

بررسی موقعیت سه گونه شناسایی شده نسبت به شهر نشان می‌دهد که تجمع غالب این محلات در بافت پیرامونی شهر (درون و برون محدوده شهری) می‌باشد و به جز گونه اول که تقریباً در بافت میانی شهر قرار دارد، محلات روستابنیان گونه‌های دوم و سوم در بافت پیرامونی شهر واقع شده‌اند (تصویر ۲).

۲- ویژگی‌های گونه‌های سه گانه عرصه‌های روستاشهری

به‌منظور درک‌پذیری ویژگی هریک از گونه‌ها و محسوس شدن تفاوت میان آنها رابطه سه وجهی سهم از مساحت شهر (در راس)، تراکم جمعیتی و ساختمانی را می‌توان متصور شد (تصویر ۳ و جدول ۵). گونه اول یعنی «محلات شهری روستابنیان» بیشترین تأثیرات را از نیروهای شهری پذیرفته است. این روستاها در این رابطه سه وجهی دارای قاعده‌ای پهن می‌باشند که نشانگر نزدیک بودن آنها به ویژگی‌های شهری است تا روستایی. بدین معنا که تراکم بالاتر جمعیتی (۷۵) و ساختمانی (۱۰۰) نزدیک بودن به شاخص‌های شهری را نشان می‌دهد تا روستایی. نحوه توسعه در این‌گونه از آنجا که در بافت میانی شهر قرار دارند از نوع توسعه درون‌زای شهری می‌باشد. این روستاها محلات نسبتاً کوچکی را در شهر ایجاد نموده‌اند که سهم مساحت آنها در شهر به‌طور میانگین برابر ۱/۵٪ می‌باشد.



تصویر ۳: مقایسه گونه‌های سه گانه روستاشهری در میزان ادغام آن‌ها در شهر

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۵: ویژگی‌های گونه‌های سه گانه بافت‌های شهری روستابنیان

	گونه اول "محلات شهری روستابنیان "	گونه دوم (۱) "شهرروستا با استحاله آرام"	گونه دوم (۲) "شهرروستا با استحاله ناقص"	گونه سوم "روستاشهر"
تراکم جمعیت	۷۵	۴۰	۳۵	۱۰
تراکم ساختمانی	۱۰۰	۷۰	۹۰	۵۰
سهم از مساحت شهر	۱/۵	۴	۳/۵	۲
میانگین مساحت (هکتار)	۱۰۰	۲۹۵	۲۹۰	۲۴۰
نحوه توسعه	توسعه درون‌زا	توسعه درون‌زا/گسترش لبه شهری	گسترش لبه شهری/ توسعه خارج از محدوده شهر	توسعه خارج از محدوده شهر
وضعیت اجتماعی – اقتصادی	بالاتر و یا مساوی سطح شهر	پایین‌تر و مساوی سطح شهر اما جمعیت‌پذیری بالای این محلات نسبت به دیگر محلات شهر	پایین‌تر از سطح شهر اما جمعیت‌پذیری نسبتاً بالای این محلات نسبت به دیگر محلات شهر	پایین و بسیار پایینتر از سطح شهر
مرحله فرایند ادغام	ادغام و یکپارچگی با شهر	استحاله و تثبیت در شهر	استحاله در شهر	جذب و الحاق به شهر

مداقه در ویژگی‌های گونه دوم یعنی «شهرروستا» سرنوشت دوگانه‌ای میان آنها نشان می‌دهد. به عبارت دیگر این‌گونه در درون خود می‌تواند به دو دسته تقسیم شود. روستاهای با استحاله آرام در شهر با غلبه نیروهای کشش روستا و روستاهای با استحاله ناقص در شهر با غلبه نیروهای فشار شهری. این‌گونه که تراکم بالایی از اراضی بایر و رها شده را در سطح شهر و پیرامون آن ایجاد نموده‌اند در رابطه سه وجهی فوق در هر دو دسته ویژگی‌های کالبدی یکسانی را نشان می‌دهد. به‌طوری‌که تراکم جمعیتی در هر دو دسته بین ۳۵ تا ۴۰ نفر در هکتار و تراکم ساختمانی بین ۷۰ تا ۹۰ درصد می‌باشد با این تفاوت که روستاهای دسته اول مساحت بالاتری نسبت به دسته دوم دارند. این ویژگی‌های مشترک باعث شده است که این روستاها را در یک گونه کنار هم قرار دهد فارغ از آنکه در ویژگی‌های دیگری نظیر نحوه توسعه، چگونگی ادغام و ویژگی‌های اجتماعی ـ اقتصادی تفاوت‌هایی بنیادین دارند. از این جهت است که شهرروستاهای این‌گونه در دو دسته استحاله آرام و ناقص از یکدیگر تفکیک می‌شوند. شهرروستاهای با استحاله آرام با توجه به موقعیتی که در شهر دارند، تنوع توسعه‌ای را برای شهر رقم زده‌اند به‌طوری‌که این توسعه طیفی از توسعه درون‌زای بافت میانی و بافت پیرامونی تا گسترش لبه شهری می‌باشد. از این عرصه‌های شهرروستا می‌توان به‌عنوان پتانسیل و فرصت مناسب توسعه درون‌زای شهری یاد نمود. شهرروستاهای با استحاله ناقص در شهر عموماً در نواحی پیرامونی شهر قرار دارند. از یک سو، شهر نیروهای فشار خود (مهاجرت‌های روستا- شهری، صنایع آلاینده، قشر کم‌درآمد و...) را روانه آنها می‌دارد و از سوی دیگر واکنش این نیروهای فشار از سوی روستا، بازگشت نیروی فشاری تشدید شده به سمت شهر مادر (مسائل و معضلات اجتماعی، زیست‌محیطی و... و بار هزینه‌ای مالی و غیرمالی آن برای مواجه با آنها) و مسائل و مشکلات ناشی از آن می‌باشد. این عرصه‌ها غالباً بافت‌های مسئله‌دار شهری را ایجاد می‌کنند. تقابل زندگی شهری و روستایی در محلات این‌گونه به وضوح قابل مشاهده است. شیوه زندگی به سبک سنتی و روستایی در هسته قدیمی آنها جاریست که البته در محلات مسئله‌دار این تفاوت به سمت ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی حرکت می‌کند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

گونـه «روستاشـهرها» روسـتاهایی هسـتند کـه در حـال حاضـر و در مقایسـه بـا دو گونـه قبـل، کمتریـن تأثیـرات را از سـوی شـهر پذیرفته‌انـد. ایـن بـدان معناسـت کـه نیروهـای شـهری علیرغـم اینکـه در بخشـهای اجتماعـی ـ اقتصـادی و زیسـت‌محیطی، تأثیـرات خـود را بـر ایـن روسـتاها داشـته اسـت، امـا ایـن تأثیـرات کمتـر جنبـه کالبـدی از خـود نشـان داده اسـت. تراکـم پاییـن جمعیتـی (۱۰ نفـر در هکتـار) و سـاختمانی (۵۰) شـاهدی بـر ایـن ادعـا می‌باشـند. مثلـث سـه وجهـی این‌گونـه سـطح بسـیار کوچک‌تـری نسـبت بـه گونه‌هـای اول و دوم دارد. از آنجایـی کـه ایـن روسـتاها خـارج از محـدوده قانونـی شـهر و در حـوزه نفـوذ عملکـردی آن قـرار دارنـد، توسـعه ایـن روسـتاها از نـوع توسـعه خـارج از محـدوده شـهری می‌باشـد.

نتیجه‌گیری

در مواجهـه بـا پیچیدگـی، گوناگونـی و چندگانگـی مسـائل شـهری، گونه‌شناسـی روشـی مؤثـر جهـت درک عمیـق و نظام‌منـد پدیده‌هـا و ابـزاری مهـم در توصیـف، تجریـد، تعلیـل، تحلیـل، ترکیـب و تفسـیر و درنهایـت پیشـگیری از برخـورد عـام و همسـان بـا پدیـده واحـد امـا بـا گونه‌هـای متفـاوت اسـت. عرصه‌هـای روستاشـهری به‌عنـوان یکـی از بافت‌هـای هـدف بازآفرینـی شـهری، بـا سـطوح مختلفـی از مسـائل و نابرابری‌هـای محیطـی درگیـر هسـتند کـه گونه‌شناسـی آنهـا درک صحیحـی از نـوع و میـزان ایـن نابرابری‌هـا را فراهـم می‌کنـد و به‌عنـوان راه‌حلـی بـرای شـناخت انـواع نیروهـا، کنش‌هـا و واکنش‌هـای میـان ایـن دو سیسـتم، دسـته‌بندی منطقـی ایـن سـکونتگاه‌ها را حاصـل می‌نمایـد. دسـتاورد خـاص ایـن پژوهـش تدویـن فراینـد هدفمنـد گونه‌شناسـی بافت‌هـای شـهری روسـتابنیان یـا بـا عبارتـی مناسـب‌تر «گونه‌شناسـی عرصه‌هـای مختلـط شهری–روسـتایی» بـا در نظـر داشـتن سـاختار کالبـدی و غیرکالبـدی ایـن عرصه‌هـا در اقلیـم گـرم و خشـک کشـور می‌باشـد. در ایـن فراینـد «اقلیـم» به‌عنـوان عامـل وحدت‌بخـش و توجیـه کننـده منطـق گونه‌شناسـی انتخـاب شـد. بـر ایـن اسـاس سـه شـهر اقلیـم گـرم و خشـک ایـران (یـزد، کرمـان و کاشـان) را کـه ازنظـر جمعیـت، مسـاحت و سـطح فعالیـت بـه یکدیگـر نزدیـک بودنـد و عـلاوه بـر ایـن گسـترش افقـی آنهـا زمینه‌هـای ادغـام روسـتاهای پیرامونـی عدیـده‌ای را در آنهـا را ایجـاد نمـوده اسـت انتخـاب و عرصه‌هـای روسـتابنیان آنهـا مـورد کاوش قـرار گرفـت. سـه عامـل «سـاخت محـور»، «جامعه‌محـور» و «طبیعت‌محـور» –ضمـن توجـه بـه چندبعـدی بـودن عوامـل گونه‌شناسـی– مبتنـی برنتایـج تجـارب روشـمند گونه‌شناسـی سـکونتگاه‌های شـهری و روسـتایی و بـا در نظرداشـتن فـرم روستاشـهری (حاصـل ترکیـب عوامـل مصنـوع و طبیعـی)، موقعیـت قرارگیـری روسـتا نسـبت بـه شـهر و فعالیت‌هـای بازتاب‌دهنـده ویژگی‌هـای جمعیتـی سـاکن، به‌عنـوان عوامـل اصلـی گونه‌شناسـی تبییـن و متغیرهـا، شـاخص‌ها و سـنجه‌های آنهـا تدقیـق شـد. فراینـد گونه‌شناسـی چهـار گونـه در «عرصه‌هـای مختلـط شهری–روسـتایی» را تبییـن نمـود کـه عبارتنـد از: ۱– محـلات شـهری روسـتابنیان، ۲– شهرروسـتاهای بـا اسـتحاله آرام در شـهر، ۳– شهرروسـتاهای بـا اسـتحاله ناقـص در شـهر و ۴– روستاشـهرها. گرچـه عنـوان عـام «عرصـه روستاشـهری» بـه همـه انـواع فـوق اطـلاق می‌شـود امـا گونه‌هـای فـوق نشـان از تفاوت‌هـای قابـل توجهـی میـان آنهـا نـه تنهـا از بعـد جمعیتـی، کالبـدی (مسـاحت، تراکـم سـاختمانی، شـیوه توسـعه و...) و عملکـردی (وضعیـت اجتماعی–اقتصـادی) بلکـه از بعـد مفهومـی یعنـی تقـدم شـهر بـر روسـتا یـا بلعکـس و چگونگـی ادغـام آنهـا آنچنـان کـه گونه‌هـای دوم، سـوم و چهـارم نشـان می‌دهنـد، وجـود دارد.

غالـب پژوهش‌هـای انجـام شـده در عرصه‌هـای مختلـط روستا–شـهری بـه تشـریح عوامـل زمینه‌سـاز ادغـام روسـتا در شـهر و توصیـف مقدماتـی فراینـد ادغـام آنهـا و بیـان برخـی آثـار ادغـام (غالباً از بعـد کالبـدی – فضایـی) در یـک عرصـه روستاشـهری فـارغ از آنکـه کـدام گونـه از ایـن پدیـده باشـند، پرداخته‌انـد (هائـو و همـکاران (۲۰۱۲)، هـارا و همـکاران (۲۰۱۰)، گلـی (۱۳۸۳)، سـرور و همـکاران (۱۳۹۱)، فیروزنیـا و همـکاران (۱۳۹۰)، شمسـی و همـکاران (۱۳۹۴)، مهـدی نـژاد و اسـدپور (۱۳۹۹) و...). لـذا نتایـج آنهـا را نمی‌تـوان بـه همـه عرصه‌هـای روستاشـهری حتـی در زمینـه مشـابه تعمیـم داد چـرا کـه نخسـت بایـد گونـه ایـن عرصه‌هـا شناسـایی شـود. ایـن پژوهـش و نتایـج آن می‌توانـد در پوشـش ایـن خـلاء یعنـی شناسـایی گونه‌هـای مختلـف عرصه‌هـای مختلـط روستا–شـهری مبنـای پژوهـش و عمـل قـرار گیـرد و در مرحلـه بعـد متناسـب بـا هرگونـه تمهیـدات لازم را اندیشـید. از سـوی دیگـر ایـن پژوهـش از گونه‌شناسـی شـکلی و ویژگی‌هـای کیفـی گامـی فراتـر نهـاده اسـت (اکبـری و قادریـان (۱۳۹۲)) و بـا ارائـه مـدل و شـاخص‌های قابـل اندازه‌گیـری و ملمـوس در یـک اقلیـم و نـه در یـک زمینـه یـا شـهر خـاص و بـا در نظـر داشـتن چگونگـی فراینـد ادغـام آنهـا در شـهر بـه گونه‌شناسـی واقعیتـر بـه دور از تصـورات انتزاعـی برسـد. دسـتاورد ایـن پژوهـش در مراحـل آتـی می‌توانـد مبنـای نظـر و عمـل در ارتقـای کیفیـت فضایـی ایـن عرصه‌هـا –کـه عرصه‌هـای هـدف بازآفرینـی شـهری نیـز می‌باشـند– متناسـب بـا ویژگی‌هـای خـاص هرگونـه باشـد تـا درنهایـت بـه راه‌حل‌هـای صحیـح و رسـیدن بـه راهبردهـای بـرد – بـرد بـرای شـهر و روسـتا در ایـن عرصه‌هـای خـاص شـهری دسـت یافـت.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

منابع

۱. اسدی، ایرج و زبردست، اسفندیار (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مناطق شهر ـ بنیاد در مطالعات شهری و منطقه‌ای، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۳، صص ۳۰-۱۷.

۲. اکبری، رضا و قادریان، مسعود (۱۳۹۳). گونه‌شناسی بافت‌های روستاشهری؛ گام نخست در چشم‌اندازسازی روستاشهرها مطالعه موردی گونه‌شناسی بافت روستاشهری یزد. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴۶، صص ۶۳۵-۶۵۶.

۳. برکپور، ناصر؛ اسدی، ایرج و بصیرت، میثم (۱۳۹۰). گونه‌شناسی حریم و تجربیات جهانی برنامه‌ریزی و مدیریت آن، شهرنگار، شماره ۵۶ و ۵۷، صص ۳۸-۱۷.

۴. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت.

۵. پوراحمد، احمد؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ زیاری، کرامت‌الله؛ سبکبار، حسنعلی و وفایی، ابوذر (۱۳۹۵). تحلیل الگوی توسعه کالبدی ـ فضایی شهری از منظر توسعه پایدار مطالعه موردی شهر کاشان، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۲۶، صص ۲۲-۱.

۶. دانشپور، زهره (۱۳۸۵). تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیرا ـ شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸. صص ۱۴-۵.

۷. ذاکرحقیقی، کیانوش؛ ماجدی، حمید و حبیب، فرح (۱۳۸۹). تدوین شاخص‌های مؤثر بر گونه‌شناسی بافت شهری، نشریه هویت شهر، شماره ۷، صص ۱۱۲-۱۰۵.

۸. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱). تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، صص ۹۹-۸۱.

۹. زنگنه شهرکی سعید؛ مجیدی، آنیتا و کاویانی، آزاده (۱۳۹۱). تبیینی جامع بر علل و عوامل مؤثر بر پراکنش افقی شهرها نمونه مطالعاتی شهر یزد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵، صص ۱۹۳-۱۷۳.

۱۰. زنگیآبادی، علی؛ نسترن، مهین و کمالی، اسماعیل (۱۳۹۴). تحلیل روند توسعه فیزیکی کالبدی شهر کرمان از پیدایش تاکنون، نشریه مطالعات نواحی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۴، صص ۴۳-۲۳.

۱۱. سرور، رحیم؛ چتر، پروین؛ و کاظمی زاد، شمس اله (۱۳۹۱). بررسی پیامدهای ادغام بافت‌های روستایی در شهر مطالعه موردی شهر میاندوآب. مجله چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، شماره ۲۰، صص ۵۶-۴۳.

۱۲. شادمان، محسن و تخمچی، بهزاد (۱۳۹۳). مقایسه روش‌های خوشه‌بندی در تهیه نقشه پتانسیل معدنی در بیهنجاری باریکا، آذربایجان غربی، مجله علوم زمین، شماره ۹۴، صص ۷۲-۶۷.

۱۳. شمسی، رقیه؛ افراخته، حسن؛ و عزیزپور، فرهاد (۱۳۹۴). پیامدهای کالبدی – فضایی ادغام روستاشهری (نظام مسکن در جماران). مجله جغرافیا و آمایش شهری – منطقه‌ای، شماره ۱۷، صص ۱۰۲-۸۵.

۱۴. فیروزنیا، قدیر؛ کاظمی، مهدی موسی و صادقی، اعظم (۱۳۹۰). مطالعه تأثیر ادغام روستا در شهر نمونه: روستاهای ادغامی در شهر کاشان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲۵، صص ۹۶-۷۹.

۱۵. کسمایی، مرتضی (۱۳۷۲). پهنه‌بندی اقلیمی ایران: مسکن و محیط های مسکونی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

۱۶. گلی، علی (۱۳۸۳). تحلیل فرایند گذار از روستا به شهر و طراحی مدلی برای شناسایی روستاهای در حال گذار در ایران. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۱۷. مرتضایی، گلناز؛ محمدی، محمود؛ نصراللهی، فرشاد و قلعه‌نویی، محمود (۱۳۹۶). بررسی ریخت-گونه شناسانه بافت‌های مسکونی جدید در راستای بهینه‌سازی مصرف انرژی اولیه (نمونه موردی: سپاهان شهر)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۲۴، صص ۴۱-۵۴.

۱۸. مفیدی، سید مجید و یمانی، پریسا (۱۳۸۷). روستاشهر الگویی برای توسعه شهری پایدار. مجله آبادی، شماره ۶۰، صص ۵۶- ۵۹.

۱۹. مهدی نژاد، جمالالدین، اسدپور، فائزه (۱۳۹۹). شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ساختار کالبدی روستاهای پیرامون شهرها تحت تأثیر توسعه شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵۸، صص ۸۹-۷۳.

19- Ballas, D., T. Kalogeresis, and L. Labrianidis (2003). A comparative study of typologies for rural areas in Europe. Presented at 43rd European Congress of the Regional Science Association, Jyväskylä, Finland, 27-30 August 2003.

20- Bogdanov, N., Meredith, D., Efstratoglou, S., (2008). A typology of rural areas in Serbia, Economic Annals, Vol. 5, pp.7-29

21- Budiyantinia, Y. Pratiwia, V. (2016). Peri-urban typology of Bandung Metropolitan Area, Social and Behavioral Sciences, Vol.227, pp.833-837.

22- Chi, G.,Ventura, S. J. (2011). Population Change and Its Driving Factors in Rural, Suburban, and Urban Areas of Wisconsin, USA, 1970-2000, International Journal of Population Research, pp. 1-14

23- Conzen,M.R.G. (1960). Alnwick,Northumberland:a study intown plan analysis, Institute of British Geographers,Vol.36,pp. 321–28.

24- Dutt, A. K., Monroe, C. B., & Vakamudi, R.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹

Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

Geografisk Tidsskrift-Danish J Geogr, Vol 110, pp.47–63.
37- Madu, I. A., (2010) The structure and pattern of rurality in Nigeria. Geojournal Vol:75, pp 175 – 184. Published online: 22nd April 2009.
38- McGee, T., (2002), Reconstructing ›The Southeast Asian City‹ in an Era of Volatile Globalization, Critical Reflections on Cities in Southeast Asia, pp. 33–34.
39- Meredith, D., SalasOlmedo, M., (2014). Understanding the potential role of spatial typologies in responding to the RURAGRI Call, Rural Economy Development Programme, Ashtown, Dublin.
40- Monasterolo, I., Coppola, N. (2010). Mapping Serbia: more targeted rural areas for better policies, 118th Seminar European Association of Agricultural Economists August 25-27, 2010, Ljubljana, Slovenia.
41- Moudon, A.V. 1994. Getting to Know the Built Landscape: Typomorphology. In: K.A. Franck & L.H. Schneekloth (Eds.). Ordering Space: Types in Architecture and Design: 289-311. New York: Van Nostrand Reinhold.
42- Nisha. (2015), Characteristics of Rural Urban Fringe of Jammu City India, International Research Journal of Earth Sciences, Vol. 3(5), pp.1-9.
43- Redbridge Characterisation Study, (2014). London Borough of Redbridge.
44- Piorr, A., Ravetz, J., Tosics, I., (2011). Peri-urbanisation in europe: Towards European Policies to Sustain Urban-Rural Futures. PLUREL consortium, Copenhagen.
45- Pryor, R., (1971). Defining The Rural Urban Fringe in Larry S. Bourne (ed.) The Internal Structure of The City: Readings on Space and Environment. Oxford: Oxford University Press.
46- Tsekouras, G., Sarimveis, H., (2004). Anew approach for measuring the validity of the fuzzy c-means algorithm, Journal of Advances in Engineering Software, vol. 35, pp. 567-575.
47- Verbeelen, C., (2013). The Collaboration of Actors in Urban Village Redevelopment Projects in Shenzhen, China, Master Thesis at University of Amsterdam, cited at http://www.new-towninstitute.org.
48- Velmurugan, T., (2010). Performance evaluation of K_Means and Fuzzy K_Means clustering algorithms for statistical distributions of input data points. European Journal of Scientific Research, Vol. 46, pp. 320-330.
49- Yunus, H., (2006). Megapolitan: Konsep, Prob-
(1986). "Rural-Urban Correlates for Indian Urbanization" Geographical Review, pp.173-183.
25- European rural futures (2012). Final definition and delineation of rural areas in Central Europe, Office for National Economic Planning (ONEP).
26- European Network for Rural Dvelpoment(ENRD), (2010). Targeting territorial specificities and needs in Rural Development Programmes;Building Blocks of a New Typology of Rural Areas, Final Report. http://enrd.ec.europa.eu
27- Fesenmaier, D. Goodchild, M., Morrison, S., (1979) The spatial Structure of the RURAL-Urban fringe: A multivariate Approach, Canadian Geographer, university of Western Ontario,pp255-265.
28- Firoz C, Mohammed. B., Haimanti. Sen, J,. (2014). A methodology to define the typology of rural urban continuum settelments in Kerala, Journal of Regional Development and Planning, Vol. 3(1),pp.49-60.
29- Garnier, J.B. and G. Chabot. (1967). Urban Geoghraphy. London: Longmans Green and Co. Ltd.
30- Gil, J., Montenegro, N., Duarte, J., (2012), On the discovery of urban typologies: Data mining the many dimensions of urban form, Urban Morphology, Vol 16, pp. 27-40.
31- Hao, P., Geertman, S., Hooimeijer, P., and Sliuzas, R. (2012). Spatial evolution of urban villages in Shenzhen. London: Routledge.
32- Hinderink, J., Sterkenburg, J. (1975). Anatomy of An African Town, Utrecht: Department of Geoghraphy of Developing Countries, Geographical Institute, State Universuty of Utrecht, The Netherlands.
33- Irish Rural Structure and Gaeltacht Areas, (2000). National Spatial Strategy, Local and Regional Studies, NUI Maynooth and Brady Shipman Martin.
34- Öğdül, H.G., (2010). Urban and Rural Definitions in Regional Context: A Case Study on Turkey. European Planning Studies, Vol 18(9), pp.1519-1540.
35- Lupala, J., (2000). Urban types in rapidly urbanising cities; Analysis of Formal and Informal settlements in Dar es Salaam, Tanzania, Doctoral thesis, Tryck hos Universitetsservice US AB, Stockholm.
36- Madsen MF, Kristensen SBP, Fertner C., Busck A., Jørgensen G., (2010). Urbanisation of rural areas: case study from Jutland, Denmark.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

Physical – Structural Development of Kerman City (Emergence Up to Now), Journal of Urban Social Geography., Vol. 2(4), pp.23-42.
11- Server, R., chatr, P., And Kazemizad, Sh., (2012), Study Outcome of Villages Texture Integration in City(Case Study: City of Miandoaab), Journal of Studies of Human Settlements Planning, Vol7(20), pp.43-56.
12- Shamsi, R., Afrakhteh, H., and Azizpour, F., (2016). Physical-spatial consequences of rural-urban integration (Housing system of Jamaran), Journal of Geography and territorial spatial arrengment, Vol 5(17), pp.85-102.
13- Firuznia, Q., Kazemi, M., and Sadeghi, A., (2012). Study of the effect of village integration in the city: Integrated villages in Kashan, Journal of Iranian Geography and Development, Vol. 9(25), pp. 96-79.
14- Kasmaei, M., (1993). Climatic Zoning of Iran: Housing and Residential Environments, Tehran, Building and Housing Research Center Publications.
15- Goli, A., (2004). Analyzing the process of transition from village to city and designing a model to identify villages in transition in Iran. Doctoral dissertation, Tarbiat Modares University, Tehran.
16- Mortezaei, G., Mohammadi, M., Nasrollahi, F. and Ghaleh Noei, M., (2017). Typo-morphological evaluation of new residential urban texture in order to optimize primary energy consumption case study: Sepahanshahr, Journal of Motaleate Shahri, Vol. 6(24), pp.41-54.
17- Mofidi, S., Yamani, P., (2009). Rural city model for sustainable urban development. Abadi Magazine, No. 60, pp. 56-59.
18- Mehdi Nejad, J., Asadpour, F., (2020). Identifying and Evaluating Factors Affecting the Formation of Physical Structure of the Villages around
lematika dan Prospek. Yogyakarta: Student Book.
50- Wang, Y. P., Wang, Y. and Wu, J. (2009). Urbanization and informal development in China: urban villages in Shenzhen, International Journal of Urban and Regional Research, Vol33(4), pp. 957-973.

Reference(Persian)

1- Asadie, I., Zebardast, E., (2010). Typology of City-based Regions in Urban and Regional Studies: with an emphasis on concept of "Majmoo-e-ye shahri" in Iran, Journal of Honar-Ha-Ye- Ziba Vol(2):43,pp.17-30.
2- Akbari, R., Ghaderian, M., (2014). Typology of Rural-Urban Textures, the First Step in the Vision of Rural Urban Studies (Case Study of Typology: Rural-Urban Textures of Yazd), Human Geography Research Quarterly, Vol.46, pp. 635-656.
3- Barakpoor, N., Asadie, I., Basirat, M., (2009). Typology of frontage and global experiences in planning and managing it, Shahrnegar, Vol. 56&57, pp.17-38.
4- Papoli, M., Rjabi, H., (2003), Theories of the city and its surrounding, Tehran, Samat Publications.
5- Pourahmad A, Hataminejad H, Ziari K, Faraji Sabokbar H, vafaei A., (2016). An Analysis of Urban Spatial-Physical Development Pattern from Perspective of Sustainable Development (Case Study: Kashan). Arid Regions Geographic Studies. Vol. 7 (26), pp.22-1.
6- Daneshpour, Z., (2007), Analysis of Spatial Inequality in Suburban Areas, Journal of Honar-Ha-Ye- Ziba, No. 28, pp.5-14.
7- Zakir Haghighi, K., Majedi, H., and Habib, F., (2011). Identifying Effective Indicators for Typology of Urban Fabrics, Journal of Hoviatshahr, No. 7, pp. 112-105.
8- Rezvani, M., (2003). Analysis of patterns of urban-rural relations in rural areas around Tehran, Human Geography Research Quarterly, No. 43, pp. 99-81.
9- Zanganeh Shahraki S., Majidi, A. and Kaviani, Az., (2012). A comprehensive explanation of the causes and factors affecting the horizontal distribution of cities; Case Study of Yazd, Journal of Applied Research in Geographical Sciences, No. 25, pp. 193-173.
10- Zangi Abadi, A., Nastaran, M. and Kamali Baghrahi, (2017), Trend Analysis and State of

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]